

# زنان در مبارزه

بها ۳۰ ربیال

سال اول  
شماره سوم

دی ماه ۱۳۵۸

ماهنامه اتحاد ملی زنان



فدا این شماره می خوانید:  
 است و دستگی مبارزات خود تر است  
 مبارزات شد آبرو را  
 چه بود زن از تلاش  
 فدا می خواند از جبهه انقلاب  
 چه بود دست مبارزات زنان در مبارزه ایران



سرخن

پیوستگی مبارزات دموکراتیک زنان و مبارزات ضد امپریالیستی

از تمام توان خلق برای پیشبرد مبارزه ضرورت دارد بدون آگاهی سیاسی و اجتماعی زنان و شرکت فعالانه آنان در مبارزه هرگز نمی‌توان از تمام توان خلق در راه گم‌پاییزی بهره برد.

هم‌اکنون برخوردها و نظریات گوناگون و گاه نحرافی در مورد مسئله زنان چنان شدت فکری و پراکنده‌کاری را پدید آورده که نه راه‌گشای مسئله زنان است و نه در خدمت پیشبرد مبارزات استقلال طلبانه خلق ایران قرار دارد.

از روشی برخوردنا درست و نحرافی ترویجی‌ها قرار دارد که کسب برتری در زمینه حقوق مدنی و اجتماعی با مردان را هدف غایی مبارزات آزادی طلبانه زنان قرار داده‌اند. اینان مسئله زنان را نادیده می‌آورند و کسب برابری با مردان جلوه می‌دهند و با توجه به با محال شدن حقوق فردی و اجتماعی زنان توسط حکومتگران فعلی ایران و کمترین دامنه تبعیضات و تجاوزات نسبت به حقوق زنان، آماده انداختن زنان تا آگاهی‌ها را با تبلیغات و جنجال‌های خود در حقیقت علیه آنچه آزادی زنان را در برده‌اند یعنی تمام مذهب مبارزات متحد خلق ایران تا قطع نفوذ امپریالیسم و برقراری حاکمیت زحمتکشان برسروشست خود به میدان بکشند. این نوع مبارزات

مسئله زنان و نقش آنان در مبارزات آزادی بخش ملی، با بهتر گوئیم، چگونگی شرکتشان در این مبارزات، پیوستگی از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث و گفتگو قرار داده شده است. اهمیت مسئله را ترویج کرده‌اند تا نحی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و با آنکه مبنی برستی و مبارزه هرگز خاص مردان و در انحصار آنان نبوده و زنان در تمام جنبش‌های رهائی بخش جهان، از جمله مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی ایران، در کنار مردان مبارزه کرده‌اند، تا بدین‌توان گفت میزان شرکت زنان و وروی آوری آنان به مبارزات اجتماعی - سیاسی معمولاً کندتر از مردان بوده است. دلایل اقتصادی و اجتماعی این مسئله بسیار روشن است. زنی که به حکم سنت و قانون، محکوم به خانه نشینی و بزرگاری از فعالیت تولیدی و اجتماعی است، زنی که حوزه فعالیت و زندگی اش محدود به خانه بوده و مناسبات خانوادگی است، بناچار از شناخت و ارزیابی محیط پیرامون خود محروم می‌ماند و نتوانی برای تشبیه آن را نیز وظیفه فردی و اجتماعی خود تلقی نمی‌کند.

به‌گمان ما برخورد درست به مسئله زنان و ضرورت آگاهی و وسیع آنان جهت شرکت در مبارزات ملی و استقلال طلبانه، در این مرحله از تاریخ مبین ما از اهمیت و بسزیه برخوردار است. در هر مبارزه بوده‌ای، استفاده

آزادی زنان فقط زمانی تأمین می‌گردد که تمام زحمتکشان از قید ستم و استثمار رها شوند.

اتحاد ملی زنان چگونه سازمانی است

"اتحاد ملی زنان" سازمانی است مستقل، دموکراتیک و ضد امپریالیست که به هیچ حزب، گروه و دسته‌ای وابسته نیست و با هر عملی دموکراتیکان دارای ایدئولوژی خاص نمی‌باشد و افراد می‌توانند با حفظ اعتقادات خود و اصول مستور در این سازمان فعالیت نمایند. بدین معنی است که هیچ یک از اعضا حق تشکیلات اصول خاص اعتقادات خود را به سازمان ندارند و فعالیت آنان باید مستقراً در چهار چوب منشور انجام یابد. این سازمان از تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۵۸ فعالیت خود را آغاز نمود.

در این شماره میخوانید:

- ۱- پیوستگی مبارزات دموکراتیک زنان و مبارزات ضد امپریالیستی . . . . . ۳
- ۲- سهم زنان از انقلاب . . . . . ۶
- ۳- وضعیت بهداشتی زنان در صنایع ایران . . . . . ۱۱
- ۴- تاریخچه نفوذ آمریکا در ایران . . . . . ۱۵
- ۵- گزارش از خانه‌های اشغالی . . . . . ۱۷
- ۶- کشف جدید حزب نوده و روزنامه "شد مردم" . . . . . ۲۲
- ۷- دموکراسی سخن میگوید . . . . . ۲۳
- ۸- عشق شاعر آزاده و مبین دوست . . . . . ۲۸
- ۹- در دبیرستان صدقی چه گذشت؟ . . . . . ۲۹
- ۱۰- دانش‌آموزان علیه تبعیضات طبقاتی در مدارس مبارزه میکنند . . . ۳۰
- ۱۱- پایه درد دل یک زن زحمتکش . . . . . ۳۳
- ۱۲- اخبار ایران و جهان . . . . . ۳۵

زنان که در خدمت ادب: به حاکمیت امیربا لیسیم  
 و سرما به برمیمن ما انت بطورقلمی محکوم است .  
 برخوردارند درست دیگر با بعضی نیروهای  
 مترقی دارنده که به مبارزات دموکراتیک زنان  
 در چارچوب مبارزات ضد امپریالیستی و آزادی -  
 طلبانه میهن ، بهای لازم را می دهند و به نفع  
 با آزار داشتن جامعه زنان نیز خود بیخود آزار  
 خواهند شد . آنان مبارزه زنان جهت کسب حقوق  
 مدنی ، اجتماعی و سیاسی برابر با مردان را  
 جدا کردن معنی ندارد . اما در مورد مسأله  
 سبب این مبارزه ، یعنی می کشند و یا غیر لازم  
 می شمارند ، نتیجه نفعی چنین برخوردی توجیهی  
 این نیروها به حرکات اعتراضی و مبارزاتی  
 زنان است و بی اعتقادی به مبارزات دموکراتیک  
 زنان به حدی میرسد که بعضی زنان پیشرو شرکت  
 در این مبارزات را درون شان خود میدانند .  
 این دوستان ن توجه نمیکنند که ، مبارزات زنان  
 در این مرحله از مبارزات آزادی بخش ایران  
 هرگز با طریقه اشتباهی املاک طلبانه نیست بلکه  
 تحقق آنها را با بدایت مبارزات وسیع تر  
 و گسترده تر خود زنان در مبارزه دارند .

از حدود سالهای ۱۹۲۰ که زنان و پستانام  
 " اتحادیه زنان " این کشور را بمنظور آنگاه  
 ساختن وسیع زنان با بهر بزرگی کردند ، رهبران  
 سیاسی این کشور تنها وجود این تشکیلات  
 جداگانه را محکوم ساختند ، بلکه با اعتزام  
 زنان انقلابی و آگاه به این تشکیلات به تقویت  
 آن همت گماشتند . رهبر و پستانام در برابر مسئله با  
 مبارزات زنان ان عقدا داشت : " زنان نباید  
 منشتر باشند دولت و حزب آنها را آزار دهند ،  
 بلکه می باید متکی به خود و مبارزه خود باشند .  
 زنان عضو اتحادیه ، تحت شعار " مبارزه علیه  
 استعمار و فراسات " در همین حال برای کسب حقوق  
 مدنی ، محکومیت آزار و اجباری و ایجاد  
 املاکاتی در کارخانه ها و روستا ها به نفع زنان

نیز مبارزه نمیکردند . این مبارزات نه تنها  
 مانع از فعالیت مسلحانه زنان علیه فراسات  
 نمیشد ، که در حقیقت بسیج کننده آن برای  
 شرکت فعالانه در جنگ میبشید ، نمونه دیگر -  
 تشکیلات زنان در نظامی است که تحت رهبری  
 " صیبه خلق برای آزادی عمان " - " بهنگار  
 " سازماندهی مبارزات زنان بردا جنا است .  
 " سازمان زنان عمان " آموزش انقلابی بوده های  
 متشکل را که آزادی زنان از طریق آزار کردن  
 همه جا معارضه زن استماع رودست تا ندکسان  
 داخلی آن در منطقه مسخر خواهد بود . معاهده  
 دارد . فعالیت جهت سواد آموزی - زنان  
 و مبارزه علیه ستم و عقابند در مورد زنان  
 در خانه و در اجتماع میبرد سرما همه مبارزاتی  
 سازمان ، فرار دارد .  
 بدین ترتیب می بینیم که وجود تشکیلات  
 جداگانه زنان ، بشرط آنکه مبارزه دموکراتیک  
 آنان جدا از مبارزات استقلال طلبانه  
 و آزادی خواهانه ملی مطرح نشود و مسئله زنان  
 مسئله خاص ( جدا از مسئله عمومی ) اجتماع  
 تلقی نگردد ، بسیج شعبی جدا کردن صف  
 مبارزاتی زنان و مردان انقلابی جامعه معنی  
 و نیروهای مترقی ، بجای بی توجهی و کم ادبیتی  
 به این مبارزات با بدیاجات همه جا به خود  
 به آن عمق و گسترش بیشتری بخشد .  
 در بین نظرات انحرافی و ارتجاعی می باید  
 به اظهار نظرهای حزب توده و تشکیلات دموکراتیک  
 زنان " وابسته به این حزب اثاره کنیم که ادعای  
 دفاع از حقوق زنان را دارند ، اما پشت شمار  
 ( ضرورت وحدت نیروها در مقابل امپریالیسم )  
 پنهان شده اند . مبارزات دموکراتیک زنان  
 را نمی می کنند . اما ن ضرورت و فرصت طلبانه  
 در حقیقت نفی حقوق مدنی ، اجتماعی و سیاسی  
 زنان توسط هیئت حاکم را تا شدمی کنند ، در  
 موقعیتهای مناسب برای لغو کردن مبارزات

زنان به نفسا بین زنان بورژوازی و خرد  
 بورژوازی مرفه نسلی که خواها ن بازگشت حکومت  
 سرمایه و نفوذ امپریالیسم در ششلی بودند زنان  
 ستم کشیده ایران که برای کسب اندامی ترین  
 حقوق انسانی خود تلاش می کنند ، می بردا زند .  
 تشکیلاتی را که اثاره اینان از تجار و زات همه  
 جامعه نیست به حقوق زنان توسط قدرتمندان  
 ایران را نمیتوان جز مصلحت سازنگاری آنان  
 دانست . با بدایت آنها پرسید : چگونه میتوان  
 حکم به : " اهلست نسبی از جمعیت کشور را دوبار  
 ارتقا امیزان خلق در مبارزه ضد امپریالیستی  
 بهره جت ؟ " - چگونه میتوان کلمه امکانات  
 آموزشی ، پروری و رفاهی و حقوق ابتدائی  
 انسانی را از زنان سلب کرد و به مف مساوات  
 خلقی دعوتان نمود ؟ کدام نمونه تاریخی  
 مبارزات استقلال طلبانه ازبازرسی ستم

سخت به زنان و سن و افس گرا و تقویت  
 با سازی عادات و رسوم کهنه در خدمت سداوم  
 انقلاب و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی  
 میهن ما قرار ندادا رد و نمان کشنده وحدت عمل  
 نیروها نیز نمی باشد . زنان آگاه امیران  
 میدانند سن و معتقدات احما عسی و مذهبی  
 و مقررات و قوانین ارتجاعی عامل برابری  
 و استکلی و عقب ماندگی آنان نیستند بلکه خود  
 با زتاب نفوذ امپریالیستی ، فرهنگ پست  
 سالاری و برابری اقتصادی و اجتماعی عسی  
 می باشد و زمین رومیا رزه علیه این ستم  
 قوانین را که میتوان با معارضه و جدو و جدو  
 زنان و مردان علیه استعمار و استعمار  
 دقیقاً در خدمت گسترش مبارزات ضد امپریالیستی  
 خلق ایران میدانند .  
 هر موفقیتی که در زمینه تساوی حقوق  
 و مرد ، در چارچوب مبارزه آزادی طلبانه عسی

**حزب توده و تشکیلات دموکراتیک زنان و وابسته باین حزب ، مزدان  
 و فرصت طلبانه در حقیقت نفی حقوق مدنی ، اجتماعی و سیاسی زنان  
 توسط هیئت حاکم را تأیید می کنند .**

بوسنده و ارتجاعی و وضع قوانین و مقررات  
 تبعیض آمیز و محدود کننده کمک گرفته شده است ؟  
 زنی که نقش اجتماعی و پرورش نسلی  
 آینده ساز داشته شده چگونه میتواند مکان پرورش  
 لیاقت ها و استعداد های خود دستا بی سه  
 آگاهی اجتماعی را بسا ند و جهت تحقق آینه شده  
 دورا ز : " موا استمارا رزه کند ؟ " به کسانی که  
 خط راست و بی خطر جاجات بی چون و چرا و چشم  
 بسته از قدرتمندان را تعقیب می کنند یا بد  
 با آوری کرده که قوانین و مقررات تبعیض آمیز

بدست آید ، یک قدم دیگر تحقق آزادی واقعی  
 جامعه و زنان را نزدیکتر می سازد . زنان  
 دوشادوش همزمان با مرد خود برای تحقق این  
 آینه شده در شان بشری و تحقق جامعه دموکراتیک ،  
 نظم و نوا برابری مبارزه می کنند و تلاش در جهت  
 کسب حقوق برابر با مردان ، همه مستعدا را با  
 عمومی جامعه در خدمت تحقق چنین آینه شده ای  
 قرار دارد .

**پیوسته بان مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران و مبارزات  
 حق طلبانه زنان**

### سهم زنان از انقلاب



چند ماهی از بهروری قیام نگذشته بود تا اعلام گردید بدین حق قضاوت ندادند و بدین ترتیب ، تحصیل دختران در رشته های حقوق تفاسی منتفی گردید ، این تصمیم با اعتراض وسیع و گسترده ای از طرف زنان قاضی و سایر نیروهای مترقی روبرو شد . اما این اعتراضات بجای نرسید و آقای صدراج سیدجادی ، وزیر دادگستری وقت نیز بزرگان صحه گذاشت . بعد از مدتی ، سخن از برچیده شدن مدارس مختلط منجمله هنرستان ها بنمایان آمد ، وزارت آموزش و بهرورش هنرستان ها را بر مخصی بزرگان اعلام کرد و دخترانی که در این هنرستان ها ، در رشته های فنی درس میخواندند ، مجبوره ترک تحصیل و با تغییر رشته شدند ، چرا که هنرستانهای

فنی دخترانه وجود نداشت . هنرجویان دختر این مدارس ، که بعنوان ا اعتراض به این تصمیم وزارت آموزش و بهرورش به روزنامه ها مدارفته بودند ، مطرح کردند که از طرف آموزش و بهرورش به آنها پیشنهاد شده ، تغییر رشته دهند . در رشته های که مورد علاقه شان نیست به تحصیل بپردازند . در همین حین ، مزمزه باز نشسته گردن قبل از موعد زنان و انتقال آنها از بعضی مشاغل مطرح گردید و علاوه بر آن با التوافق انون خدمات اجتماعی زنان ، عده زیادی از دختران که بعنوان سپاهیان دانش به کار مشغول بودند و قبلا بعلت نیاز مادی ، دا وظایف به سپاه های دانش رفته بودند بیکار شدند . آموزش و بهرورش

بزرگ مقابل خواست آنان برای استخدام ، کاری انجام نداد . این مسئله تشنجی در شهرها بوجود آورد و دختران با تحصن و گروگان گیری (در شهرهایی مانند شیراز و آمل و چند شهر دیگر) اعتراض خود را اعلام کردند . از طرف دیگر در روستا ها نیز مدارس مختلط ممنوع اعلام شد و دختران بعلت عدم وجود مدرسه و معلم و مکانات عملا مجبوره خانه نشینی و ترک تحصیل شدند . در زمانی که هنوز درها ت مسئله گمبوه معلم و کمبوسا ختمان ، باعث میشود ، دوره در یک کلاس با یک معلم و همزمان آموزش ببینند ، ممنوع کردن مدارس مختلط و بدین ترتیب تعطیل اجباری آموزش دختران ، از بی توجهی و کم اهمیت دادن به آموزش دختران ناشی میشود .

با بدنامی آنچه را که بر سر دم و آنچه را که نگفته ایم ، اما همه زنان و دختران از بعد از قیام با آن روبرو بوده اند ، در این بنده با دیدگاه و نظری که در مورد زنان وجود دارد بررسی کنیم . دیدگاه و نظری که زن را بیست ترا ز سر د و موجودی خانگی تلقی کرده و قابل تصمیم گیری و قضاوت و شهوات نمی داند . بنا بر این برایش حقوق اجتماعی و سیاسی ، حق انتخاب کار و شغل دخواهیم حتی حق بیرون رفتن بی اجازه از خانه را بعمقان ، نیست ، زنی که بخواهت از است در خانه و تیربخانه مشغول با ندوبقول آقای صدوقی ناما بنده مجلس خبرگان ، "بچه بربدهد از کفش تا آموزش کند" ، بطبعنا نیازی همبسه آموزش و تحصیل و شغل نخواهد داشت ، چرا خود را در سر بدیم و به فکر دختران ر روستا شسی ، هنرجویان مدارس فنی و دختران سپاه دانش با شرم! آنها بهر حال شوهر خواهند کرد! تا نبر چنین طرز تفکری را در نحوه استخدام متقاضیان شغل معلمی ، در جریان استخدام آموزش و بهرورش

می بینیم ، که با اعتراض متقاضیان روبرو شد ، و یکی از موااد فطننا مت آنها ، رفع تبعیض بین زنان و مردان در استخدام بود . علاوه بر این همین طرز تفکر ، جای پای خود را در اصطلاح "یا کسای کتب درسی" نیز ، باقی گذاشته است و بعضی نداد رده در کتاب شهر و شهر نشینی کلاس چهارم بجای جمله "سوسن گاهی همراه ما در تن به با زا رکوچکی که نزدیک خانه است بهر ساعت میروند" به او کمک کند" ، جمله "علی با پدرش به خرشد میروند" بشنوند ، تبلور عملی این طرز تفکر از یک طرف در احیاء قانون مدنی که بموجب آن زنان در انتخاب شغل خود با بدنامی شوهر با شند و از طرف دیگر با رنگ و روغن زدن به نقش مادی زن بعنوان بهانه ای برای سلب حقوق اجتماعی و سیاسی او و نمایان می گردد .

ناما بنده اصل و مادی این طرز تفکر ، آقای صدوقی خیره محترم مجلس از اینتروست که برخلاف سایر خبرگان ، نظری را نسبت به حقوق زن و نقش او در لقا جمله های برآب و نتساب و نیرطلمطراقی در مورد تقدس مادی و تحسین دروین نمی بیند و طی نظقی در مجلس خبرگان با مرامت میگوید: "آیا به گوش یکی از شما ها خورده که بکنفرون در یکی از غزوات شرکت کرده ... یا این شهرهای که کامبفرستانند ... استادان میفرستادند ، یک نفر زن فرستاده باشد ... و ایشان را اده میدهند: "یکی از رفقا میگفت همانظور که زن میتواند ولی مفیرش بشود ، پس میتواند رئیس جمهور شود با تخت و زیور ... چطور شده و از ولی که خشت دنیا را برپا گذاشته ، اینهمه با ختمان و اینهمه قنات ، اینهمه اختراعات ، تما ش دست مرد بوده ... حالا چطور شده که پشت میز نشستن را حق دانسته اند ، ولی کارهای سنگین را حق ندانسته باشند ....

### حق انتخاب آزادانه شغل برای زنان تأمین باید گردد

معنی چه؟ اگر میخواهند دوش بدوش ما کار کنند پس بدهمرا ما بنائی کنند و همرا ما فکرات درست کنند و همرا ما کارهای دیگری بکنند."

**آیت الله صدوقی حتی یکبار هم سری بدهات نزددهاند تا زنان زمینکش روستا را که پا به پای مردان بدر مزارع و شالیزارها و متمدنزارها به کار طاقت فرسا مشغولند ببینند؟**



آقای صدوقی نما بنده مجلس خبرگان، با اظهار چنین مطالبی، بخوبی نشان دادند که نمانده چه کسی است. ایشان که خیرداریند زنان روستائی و کارگر کشورمان در چه وضعیتی بر سر می برند بنما بندگی چکسانی به مجلس رفته اند؟ آیا ایشان اساسا یکبار هم شده سری به دهات زده اند تا ببینند که چگونه زنان روستائی از باستان تا امروز نا غروب گاه در خانه بیست آبخیزی و خیاطی، با فکندگی و قالیبافی بنا دوشیدن شبر مشغول است و گاه در زمزمه آیه های در دست با ساقه های پنبه را تنبع میزند، تا از انور آب بنا لیوا رشتا کاری میکنند و با درگندن مزارها همیا و دوشا دوش مردش بکار طاقت فرما شبر می پردازند که آقای صدوقی و ما مثلهم از آن بهره می برند. آیا ایشان یکبار هم شده با تکهای شعور و تنگم سری زده اند که دختران کوچک رنگ بریده، در طوبوت و تاریکی، انگشتان کوچک و لاغر خود را بر دارتالی می لغزانند تا از نسور و مدالی نصیب، با ساعها کاری کنند و بیست نشینتهای طولانی، لکن خار هتا را با شکل طبیعی خود خارج میشود. آنها ایشان از زنان تمدمالی سراغ دارند که همیشه دستانتان تا آرنج زخم است. آیا ایشان کارگر خیردارند که علاوه بر کارخانه داری و بچه داری، حمله با با بچه شیرزی، با ساعهای طولانی، پشت ما شینتهای کارخانه، دره دره نیروی زندگی و شیر جانش... آن را در نغمه های جرح ما شین می بریزند. نه مسلما ایشان از اینها خبرند و رند و کورنه جانشان در

مجلس خبرگان ن نمود. علاوه بر تمام اینها آقای صدوقی مسلما تصور دختران و زنان روز منده فلسطینی، ارسترای و بیستما می را مشاهده کرده اند که چگونه در "غزوات" شرکت میکنند. ایشان و افراد نظیر ایشان که قریب قانون ارتجائی مربوط به زنان صحه گذاشته اند، مسلما از حمله های مقاومت زنان ایرانی، نظیر فاطمه امینی، مینوش ایراهیمی و بسیاری دیگر چیزی نمیدانند. ایشان از زنانی که در ۱۷ شهریور مردمان شهدا، کودک در آغوش بسته استقبال گلوله هارفتند، مسلما خبری ندارند.

علاوه بر تمام این فرا میونگار رینها، ایشان گویا با اینکه آقای رها فرما موث کرده اند که کار اوزمکت و مفتخوری و بهره کشی زن و مسرد نداد و بیخلاف نظرا ایشان تمام مردان نیستند که بیمل میزند و قنات می سازند، مردانی نیز هستند. سرما به داران، ملکان و دولتیهای نماینده آنها... که از شرمه کار مردان بیمل زن بیهره می برند و بنا صبا با لایم میبرند، با دانستن بسیار تمیز و عارف و شرمیک یکبار هم بیمل و التمان نگرده است. بدینهی است که مردان هم، در صورت بهره نگرستن از آموزش و فرهنگ و

عند شرکت در مسازات و فعلا لیهتای سیاسی و اجتماعی، فاقده توانائی لازم برای کار سیاسی، رهبری جنگها، ادا رهشرو غیره خواهند بود. بهمین علت هم هست که مخفخوا ران و سرما به - داران، بولداران، همیشه از آگاهی زمینکنان هراس دارند و همیشه از آگاهی آنها استفاده کرده و با بدست گرفتن قدرت دولتی و انتصاب ابادی خود، منافع خود را تا مین میکنند. این نا آگاهی در مورد زنان، البته در ایام دوسومتری مطرح است، چرا که اکثریت

زنان از فعالیت های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بدورند. و علیرغم شرکت در کار دولتی چه بصورت کارگری و چه فعالیت های کنساروی واد مداری و چه کارخانه داری و حتی مشاغل دولتی بعلت وجود سنتهای ارتجالی حاکم بر جامعه، مبنی بر بستن ترگرفتن زنان نمیتوانند. در فعالیت های اجتماعی و سیاسی شرکت کنند. هنوز اکثریت تعلیمی از مردان، بعلت شیوننگر غالب، مانع تحصیل همسران و دختران خود میشوند. بی شرمی و کمبری زنان در ایام رسنه ها، بجهت عدم توانائی ذاتی و عقیم بودن فوه خلاقه و اندیشه آنها نیست، چرا که هر مردی هم اگر در شرایط زندگی زنان باشد، توانا شهبایی را که در عمرها اجتماع بدست می آورد از دست خواهد داد. قوه تفکر و هوش و آگاهی انسان تنها در هنگام مدرکبری با مسائل اجتماعی و سیاسی است که رشد می یابد و با رور میشود. این توانائی ها از آنها جدا در وجود مرد به و بدینسه نهاده نشده. هراسانی - اعم از زن و مرد - که از گرم گرم نترسد اجتماع، دور رسا ندو تجربه

بدست نما ورد، بدون شک عنگما می که مشکلات را در برابر خود بسپارد، قوه و توان حل آنها را نخواهد داشت. زنان برجسته جهان و همین ما با شرکت وسیع در مسازات سیاسی و اجتماعی، افشا نمائتوانی "ضمن زن" را بگورسیده اند و خوبی نشان داده اند که انسان، محصول شرایط اجتماعی و محیط خود است و بهمین جهت شیرشد و تنکا مل جامعه بشری، محتاج ایجاد شرایط و محیط مناسب برای آموزش و پرورش است و استعداد های انسانی زن و مسرد می باشد.

**نیکی از نیروی فعال جامعه یعنی زنان را، به هیچ گرفتن چیزی جز یک فرهنگ استعماوری در جهت عقب بردن جامعه نیست.**

جای تالیف و تحسار است، که بعد از قیام ما با یک سیرت فخرائی روردره ستیم. هیئت حا که سیاست های ارتجالی، سلب حقوق اجتماعی و سیاسی زنان و سلب آن حداقل امکانات آموزشی و سلبی درجهتی خلاف سیرت فخری و رشدا مسمه کام بر میدارد. چنین سیاست هائی، دقیقاً بمعنای بهره داری نسبی از نیروی انسانی جامعه و محسوس کردن این نیرو در خانه و میمانت از رشد و اعتلا آگاهی و استعداد های زنان است. استعدادها و تئیروها می که با بدو در جهت ایجاد ابروائی آنها و آوازه داریا گرفته شود. کسانی که برجستین قوا نین ارتجالی عهده میگذرانند (همچنان که با تصویب قوانین مهم مسئله ما لکتیست سرما به داران وابسته و زمینداران بزرگ یعنی حامیان داخلی امپریالیستها را شرکت گذاشته و بدین طریق راه را برای با زکشت عوا مسل امپریالیسم بازمگدا رند) با به بند کشیدن نسبی از نیروی جامعه و محروم نمودن او از کار و شغل و تحصیل دقیقاً در خدمت نمودن او از کار و رحامیان داخلیشان که از آگاهی و رشدا اجتماع

**زنان باید از امکانات برابری آموزش و پرورش برخوردار گردند**



زنان زحمتکش ما خواهان مزد مساوی در مقابل کار مساوی هستند.

مردم (چه زن وجه مرد) فراس دارند ، قسیرا ر می گیرند . نبی از نیروی فعال جامعه را به هیچ گرفتن چیزی جز یک فرهنگ استعماری در جهت عقب بردن جامعه نیست . گمانی که به سه بهانه رواج فساد و یا متناسب نمودن خواسته های حق طلبانه زنان به طاقت و دربار ، از فعالیت های اجتماعی و سیاسی زنان محاصرت می کنند و تنها زمانی که به نیروی انسانی برای رای دادن و نظا هرات نیاز دارند ، زنان را به حساب می آورند ، در واقع با طرح چنین مسا ئلی به شخصیت و توان انسان توهین می کنند . به گمان اینان مردان تنها ما فاسد و فساد طلب نیست زن در میان آنها موجب رواج فساد میشود . اینگونه سخا می از طرف دیگر فاقد شعور و قدرت درک مسائل نیز هستند ، چرا که نمی بینند فساد از فقر و نا آگاهی بر می خیزد و تا هنگامی که

ریشه این فقر و نا آگاهی برکنده نشود و محیط مناسب برای رشد فکری و اعتلای شخصیت انسانی بوجود نماند ما محسوس نمودن زنان در خانه ، نمیتوان از رواج فساد منصرف کرد . البته به یاد نوجوه گرفته که اینگونه سخا می اگر چه از لحاظ نظری به این امر مترقب نیستند اما عملا با کلاه شری گذاشتن سرفحنای و نامصیغه به آن دادن قبول می کنند که این مسئله وجود دارد . اما زنان تهرمان ما مسلما زیر بار چنین اجاقا قی نمی روند و با شما توان خود بر علیه این قوانین و مقررات ارتجاعی مبارزه کرده و در جهت با لایردن آگاهی اجتماعی و سیاسی خود می کوشند و دوش بدوش برادر ، پدر و همسر خود از حرمت آزادی و آزادی و احترام رشتاد و استلا ای ارزشهای انسانی دفاع خواهند کرد .



وضعیت بهداشتی زنان در صنایع ایران



با لایردن دستمزدها و بهبود شرایط کار در کارخانه و ایجاد دستبند ها و اتخا دبه های قدرتمند کارگری ، قوانینی وضع شده اند که بطور نسبی مانع بهره کشی نامحدود و لحام گسیخته سرمایه داران میشوند و اگر چه کارگران مورد دستم و بهره کشی قرار می گیرند ، اما از وضعیت بهداشتی نسبت به کارگران کشورهای تحت سلطه امپریالیست ها و انحصارات بزرگ با بهره کشی وحشیانه و فسادت کشورهای تحت سلطه توانسته اند گره ای روی نان کارگران کشور خود بیامانند ، آنها با سرمایه گذاری مستقیم با مشارکت سرمایه داران داخلی و وابسته به خود در کشورهای تحت سلطه ، از زمین ، مواد اولیه و نیروی کار را از این

زنان ایران از دیرباز زغش مهمی در تولید داشته اند . زمانیکه اقتصاد کشور بر پایه تولید کشتا و زری و صنایع دستی میچرخید ، زنان زحمتکش میهن ما ، در مزارع و شالیزارها ، در دشتها و مرا ت عیش داد قالی بافی و دوک نسج ریزی ، با بیاد و دوشا دول مردان زحمتکش به تولید می پرداختند ، تولیدی که سهم ناچیز و بخور و نمیری از آن به خودشان تعلق می گرفت . بعد از املا حات ارضی کدائی شاه و رشد سریع صنایع موشتا و زووا بسته با تحملا ر تا راجی نیز زنان و کودکان خانوادها ی زحمتکش ، بخشی از بار تولید را بدوش کشیده اند . در کشورهای پیشرفته سرمایه داری ، در نتیجه مبارزات طولانی و خونین کارگران برای

کتورها استفاده می کنند و برای افزایش سود خود هرگونه که بخواهند عمل می کنند، دستمزدها را کم می بردارند، شرایط کار را در بدترین وضع خود نگاه میدارند، از نیروی کار زنان را بکودکسان بهره می برند و کوچکترین حقی برای کارگران، بهره ای از زن و مرد قائل نیستند.

یکی از مواردی که سرمایه داران ایرانی و خارجی بوسیله آن بر مجبور خودخواهی خود می افزایند، عدم تأمین و سایر ابعادی و بهبود شرایط کار و در کارخانه ها است. این سرمایه داران اگر در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بعلت منافع و نفع کارگران و وجود اتحادیه های قوی کارگری میبایستند، مقررات ایمنی و بهداشتی کارخانه ها را حداقل بقولی رعایت کنند، در کشورهای نظیر ایران بجز جسی از انجمن آن نظره میروند.

سهمین علت است که کارگران ایرانی نامزد زن و مرد، از لحاظ بهداشتی در وضعیت بسیار خطرناک و زیانناکی جسمی بر تندهند و اغلب کارخانجات از حداقل حقوق یک انسان که استفاده از نیروی کارهای است نیز برخوردار نیستند، چه برسد به مراقبت های ضروری بهداشتی. از همین رویت که در بخش اعظم کارخانجات، تقریباً عموم کارگران اعم از زن و مرد، از نوعی بیماری در رنجند و بسندرت میتوان در بین آنان، چه از نظر روحی و چه از نظر جسمی، تخمین سالی را برآورد کرد.

بطور مثال بعلت آلودگی هوا و گازهای سمی ناشی از ذوب مواد، یا سروصدای تحمل ناپذیر دستگاهها یا بعلت آلوده بودن زمین به مواد شیمیایی و سایرهای سنگین و غیره انواع بیماریها از قبیل بیماریهای ریوی و سلسله ناشناختی و کرمی، بویکی استخوان، فتق و وارفتگی و کمردرد در میان کارگران رواج دارد.

علاوه بر این بیماری های عمومی، زنان بعلت ساخت جسمانی خود، به بیماریهای خاصی نیز دچار میشوند\*. بطور مثال وضعیت استخوانه مداوم یا دچار خوشی در اعصاب لگن زن و ایجاد تبوزمی نما بدودرا کثرتن را و ریس اعصاب بافتنی را بوجود می آورد. ۱۲٪ زنها شیکه استخوانه کرمی کنند و واریس مبتلاهند، در صورتی که در زنها شیکه گاه می نشینند و گاه در می ایستند ۲٪ واریس دیده میشود. در حدود ۱۸/۸٪ از دختران که اعضا یا طولانی با جرح یا بی خیاطی کرمی کنند گرفتار اوروم و عفونت تخمدان می شوند، در صورتیکه بطور مادی تنها ۶٪ از زنها گرفتار این بیماری هستند. ۲۳/۳٪ زنان کارگر خیاط مبتلا به غیر طبیعی بودن رحم نیز هستند، در صورتیکه بطور مادی فقط ۱۶/۸٪ از زنها، به این ناراحتی دچار میشوند.

۱۳/۵۳٪ دخترانیکه روی پشت یا روی سر و یا با دست جمعه های سنگین را در کارخانه جا می کنند و یا در کارخانه های نظیر کاشی سازی و غیره دسته های کاشی را حمل می کنند، گرفتار تنگی لگن میشوند، در صورتیکه فقط ۳٪ از زنان ممکن است به تنگی لگن مبتلی شوند. کار مداوم و موعته کشنده موجب افزایش سقط جنین در زنان میشود (زنها ی کارگری که گرفتار سقط جنین میشوند ۱۳/۲٪ هستند در حالی که بطور معمول، این مقدار حدود ۵/۵٪ است) زن های حامله نباید بیش از ۱۲ تا ۱۵ کیلوگرم بار را بجای کنند، ولی بعلت مادی و نیاز زوجه دستمزدهای کمتر معمولاً ریش از ۳۰ کیلوگرم حمل می کنند. بعلت همین مشکلات است که تعداد بچه های نارس و زایمانهای زودرس و مسوارد

\* اما در انواع بیماریها از جمله آفاتی دیگر تا درگاه و سایر استنادها را شیکه بهداشت استخراچ گردیده.

مهد کودک و شیر خوار گاه در جوار کارخانه ایجاد باید کرد.



حرارت نا مناسب، درجه رطوبت، نور وضع قرار گرفتن بدن کارگران در هنگام کار، اغلب علاوه بر عوامل جسمی، اختلالات عمیق سیر برای آنان به همراه دارد. نهاد و کار، شدت و تکرار یکنواخت آن بر اعضا کارگران اثرات سوء میکند و خوشگی های شدید و مزمن را بعضاً نسبت پدید می آورد. زنان کارگر که مله گاه از ترس از دست دادن کارخانه، تا مدتها مالگی خود را مخفی می کنند، در برابر عوامل جسمی و روحی آسیب پذیرتری شوند و زنان کارگری که صاحب فرزند هستند بدلیل فقدان مهد کودک در کارخانه معمولاً همگام کارکنان فرزندانشان هستند. چنین وضعیت غیر انسانی غیر قابل تحمل است و باید اقدامات لازم و فوری، در جهت بهبود وضعیت تا حوتاً بپندهند و حتی کارگران و منبطله زنان بعمل آید. باید از کار رذیفتران کمتراز ۱۶ سال ممنعت شود و کارکنان در شیفت شب جلوگیری گردد. زنان نباید در ریش

سقط جنین در زنان کارگر بیشتر از معمول است. در کارخانه های که هم بافا و آکنده است، بسیاری از اموم پس از دخت در سندن زن، در صورت حامله بودن او جنین را هم دچار رسومیت می کند. زنان کارگر آکنده و طبعه خانه های را هم سر می دهد و در سندن دلیل استفا ده ارمواد تمیز کننده مثل بودرهای رختشویی، عشاء محافظ پوست خود را از دست میدهند و بیشتر آکنده پذیرش بیماریها از زمین بوستنی می گردند. علاوه بر تمام این بیماریها، زنان کارگر بعلت کار طولانی و طاقت فرسا دچار بیماری زودرس نیز میشوند و در سن ۵۰ - ۵۵ سالگی دیگر قادر به ادامه کار نیستند. و با توجه به این مسئله که بیشترین بیمه هستند و با آگری بیمه هستند، مبلغ ناچیزی به آنها تعلق می گردد، میتوان وضعیت آنان را در این منجم کرد. شرایط ناخوشایند کار را زینفیل درجه

از ۲۵۰ کیلوگرم و ۴۰۰ کیلوگرم یا واکن جسمی کسند و تسهیلات لازم در مورد راکار باستانه فراهم گردد. با بدستریط ایمنی و بهداشتی درمناملی که با گردوغبار و بخارات سمی سروکار دارد دستپوشا یا بدونا شل ایمنی در اختیار راکارگران قرار گیرند. با بدستریط و معاینات بهداشتی ، توسط طبیب کارخانه بطور مرتب تا مین شود و شیروخارگاه و مهندکودک در جوار راکارخانه برای نگهداری فرزندان کارگران ایجاد گردد. زنان کارگرها بنا بر سه ما ، مرخصی با حقوق در هنگام مزایمان سرخوردن یا شنند و توانایی و تبع گردد که مانع از اخراج بی رویه زنان کارگر در هنگام مزایمان گردد.

**در کشورهای مترقی زنان کارگر از چهار ماه مرخصی با حقوق در هنگام زایمان ، دستمزد برابر با مردان ، شیرخوارگاه و زایشگاه در جوار کارخانه استفاده می کنند.**

زنان کشورهای مترقی از مزایمی این امتیازات بهره مند هستند. در انگلستان کشورها بدون کاهش دستمزد از اخراج کارهای سنگین هر زمان که طبعه جلوگیری می شود و

اتحادیه های کارگری سازماندهی می کنند که راکارخانه ها در صورت عدم رعایت مقررات آنرا تعقیب می کنند. مدیران کارخانه ها حق اخراج زنان سازد را ندارند و در این امر چهار ماه مرخصی هنگام مزایمان استفاده می کنند. در این کشورها شبکه و سیمی ارتشوخارگاه ها ، کودکشانه ها ، بیمارستانهای اطفال، مراکز کمک های طبی و زایشگاهها وجود دارد. و کسار شنانه ، اما همکار راکار خارج از شهر برای آنان وهمچنین مادران که کودک شیروخارگاه را رسد ممنوع است.

زنان کارگر برای تا مین این حقوق حقه خود را بدوستان کارگران مرد در مقابل سرمایه داران و استهمنه بیگانه به مبارزه کنند. سرمایه داران تنها در مقابل انسانها ، شکل و مپارزه کارگران عقب می نشینند. زنان کارگرها بنا بر شرکت فعالانه در شوراهای کارگری و یا ایجاد شوراهای کارگران که اکثریت کارگران در مقابل سرمایه داران خواستهای ویژه زنان را تسریع کنند و با تلاش در جهت شکل زنان کارگر در این شوراها این خواستها را تحقق بخشد.



**در کشورهای مترقی زنان کارگر از چهار ماه مرخصی با حقوق در هنگام زایمان ، دستمزد برابر با مردان ، شیرخوارگاه و زایشگاه در جوار کارخانه استفاده می کنند.**

این کشورها بدون کاهش دستمزد از اخراج کارهای سنگین هر زمان که طبعه جلوگیری می شود و

**تاریخچه نفوذ آمریکا در ایران**

۱۲۵۸

سرای نخستین با رنگ هیئت آمریکا طی از ممالین مذهبی بیروستان به ارومیه آمدند و مدرسه ای ایجاد کردند.

۱۲۵۱

در تبریز و شمال بغداد تیسری و شهرهای دیگر مراکز تبلیغ مذهبی سمارستان و مدرسه های آمریکا طی ایجاد شد.

۱۲۳۵

اتحادیه دبیران " دوستی و سازگاری بین آمریکا و ایران در استاسول وسیله معرفی دوکتور در دربار متعاضی .

۱۲۶۹

با ورود وزیر مختار آمریکا " بنجامین " سفارت آمریکا در ایران افتتاح شد .

با توجه به استقبال جرابه آمریکا از صنعت متروپه ، ایرانیان نسبت به آمریکا " بی طرف " احساس نفرت نمی کردند. مپارزه "ناشوریل" آمریکا طی ، دستر مدرسه آمریکا به ایران از محسوبیت محاهدین متروپه خواه و کشته شدن او در این راه تا شرمعنی در افکار عمومی ایرانیان باقی گذاشته بود .

۱۲۹۰

اعزام هیئت مستشاری آمریکا در امور مالی به ریاست مورگان شوستر . نماینده یخنی امور خوین اعزام این هیئت سه سه مساعی برای دخالت فعالانه تر آمریکا در امور ایران بود .

۱۳۰۱

اعزام ماموس مالی به ریاست دکتر میلیسبو .

۱۳۱۵

واگذاری امتیاز رفنخ و استخراج نفت در شرق و شمال شرقی به شرکت آمریکا طی " ایرانیان و انصاف شرکت آزادانه عملیات تپس اردومال از تاریخ مزبور .

۱۳۳۱

اعزام ماموس های متعدد بریاست کلنل شو ارتزک جهت اطلاع اهورزاندازمری و میسیون مالی بریاست دکتر میلیسبو . جنگ جهانی دوم و ورود ارتش آمریکا به ایران از محسوبیت چندین ساله آمریکا ثیان نسرده ملت ایران کاست .

تا ربح ها به مال شمس است .

۱۳۴۴ - ۱۳۴۶

اتحادیه های ملی با شرکت نفت آمریکا طی توسط نفتا بزان وانگلس . آغاز دوران جدید در گسترش منافع امپریالیستی ، دوران آغاز تسلط آمریکا بر اقتصاد جهانی . افزایش فعالیت های سیاسی آمریکا در خارمپانه جهت سیاست های استعماری انگلس جهت حفظ منافع یقنی این کشورها و جلوگیری از توسعه کمونیسم در خارمپانه .

۱۳۴۰

ملی شدن نفت ایران ، جانفداری آمریکا از منافع شرکت ( دولت ) انگلس . فشار به ایران جهت توافق با انگلستان ، مشارکت فعالانه در تحریم اقتصاد ایران و جلوگیری از خرید نفت ایران توسط کشورهای دیگر .

تیر ۱۳۳۳

برگزاری کنگرانی مشترک نمایندگان آمریکا ، انگلس و فرانسه در واشنگتن . ورود ژنرال شو ارتزک کارستان آمریکا طی برای فرامپا غتن مقدمات کودتا در ایران .



## مردان ۱۳۳۴

کوشش روابط سرمایه داری در ایران است، خواستار انجام اطلاعات ارضی و اداری در ایران میشود. این روش قبلاً در آمریکا لاتین آموخته شده، پرداخت هرگونه وام به رژیم شاه منوط به انجام این اطلاعات شده بود.

۱۳۴۰

آغاز اطلاعات ارضی در ایران، کمپنای همه جانبه آمریکا جهت تشکیل صندوق حرکت های تعاونی. آغاز سلطه همه جانبه ویلانز آمریکا در ایران، افزایش مستشاران اداری و نظامی آمریکا، شکست عوامل وابسته استعمار انگلیس در ارتش، دربار و سیستم اداری کشور و پذیرفتن برتری آمریکا و هم نشدن منافع آنان با آمریکا. ایران بتدریج به پایگاه مهم نفوذ اقتصادی، سیاسی نظامی و فرهنگی آمریکا در منطقه تبدیل میشود. مستشاران آمریکا شی در تمام زمینه های

کودتای ۲۸ مرداد، علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق، به ایستگاه روسدست عوامل آمریکا در ایران، افزایش نفوذ و سهم آمریکا از نفت و بازار مصرفی ایران، مداخلات گسترده و آشکار آمریکا در ایران، بدست گرفتن کنترل امور ایران توسط آمریکا. دکترین ایزنهاور و محوریت آمریکا میگردد و حمایت نظامی آمریکا از حکومتی که در معرفی کمونیسم در سرما اعلام میشود.

۱۳۴۸

طرح اطلاعات ارضی وسیله اقبال تسلیم مجلس می شود. آمریکا با نفوذ رژیم شاه شاه منظور گسترش ارتفاع های شدید طبقاتی و بحران اقتصادی در ایران، کشدن بازارهای ایران ب روی سرمایه و در هم شکستن نفوذ ایسم که مانع از

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

## گزاشی از

## خانه های اشغال شده



شرکت کرده و تحقق خواسته های بحق خود را در سرنگونی رژیم سلطنتی پهلوی دیدند. آنان انتظار داشتند که حداقل پس از قیام تمغیری در زندگیشان داده شود و حداقل بتوانند از مسکن مناسب بهره مند شوند. حکومتی که با "مستضعفین" و "بیخوله نشین ها" در رفاه و آسایش باشد. در چند ماه اخیر موجی از کوچ کودکان و بچه ها را غنچه نشینها بسوی آب و زمینها و خانه های حالی و بلا استفا ده لای شهر شروع شده و هر روز دانه وسعیری بخود میگیرد. سرمایه داران فزونی و وابستگی رژیم پهلوی که این ساختمان هسان عمدتاً متعلق به آنان است، اکنون پس از قیام شهرتانی خانه خلق با خارج کردن میلیونها و

همه ما زرات ساکتین خارج از محدوده و باخاطر داریم. زمانیکه این مردم زحمتکش و محروم با دست خالی اقدام به ساختن برینها می برای خود کردند. ما موران شهرداری و کلانتری خانه های بی مقاومت آنها را بر سرشان خراب کردند. مردم هم پس از مدتی تحمل متفات با لاف زده در حد مفاومت بر آمده و با این کارنا بت کردند که جزا رزاری خونین بین آنها ورزیم. چیزی دیگر وجود ندارد. و بدین ترتیب اولین نطفه های پیدایش قیام شکوهندن خلقمان بسته شد. در جریان قیام نیز ما کتین خارج از محدوده و کودکانمان را بنامه ستم کشیده ترس و محرومترین اقشار این مرز و بوم در مبارزه

ملیبا ردها تومان، در کشورهای اروپا کسی و آمریکا بی، در نقاط خوب آب و هوا...  
 خوشگذرانی مشغولند. با این وجود با این سرما به داران را لومنت هنوز به همین با نسی مانده ثروت ملی ایران چشم دوخته و حرمانه بدستال حفظ بیشتر مانع خود هستند. در این شرایط دولت ایران از همان ابتدا با امید بخشدن به پیرما به داران، آنان را به یاد زکات به ایران وادانه فعالیت با ایشان که همانا مکیدن شیر جان زنجیران و کارگران است دعوت میکرد و ما اختتامهای عالی آنها را حفاظت می نمود و در مقابل اختراعی مرسوم می خاتمنا برای آنان خط و نشان می کشید. معذاکر و هیای کثیری از مستمکنان بی خاتمنا با علم به اینکه مورد سرکوب واقع خواهند شد، خانه ها و آب و آبرمان ها را مسافره کرده و در آنها سکنی گزیدند. ما بدیدار یک گروه از آنها رفته و سعی کردیم طلب و انگیزه های این عمل آنها را از خودتان جویا شویم. با خاتمنا در یکی از خیابان های میان نشین شمال شهر قرار داد. قسمت های همکشا مثل با آرها و فرودگا های بزرگ است و منطقه با لا گویا برای استفاده ادارات و شرکت ها ساخته شده اند که اکنون توسط مردم شهرمان یکی از گودهای خوب شهرمان شمال در آمده اند، سرا سرا هروها و راه پله ها پرا زکشی های اما مهمی و نقل قولها بی از اوست که " این مملکت متعلق به کوچ نشینان است و نه کساح نشینها " و...  
 بازن میان سالی که از یکی از آبار تعلیها بیرون میآید مشغول صحت میثوم، دختر جوانی نیز بیما ملحق می شود و اولین سؤال خود را مطرح میکند: اینجا کاری داشتید؟ خود را معرفی می کنیم و منظور خودمان را هم توضیح میدهم. می پرسیم " چگونه به اینجا آمدید؟ " با ولایت غامی می گوید: " اینجا مال خودمان

است " میخوامیم منظور خود را بیشتر روشن کنیم بهمین جهت میگوئیم: " خوب اینجا مال کیست؟ " پاسخ میدهد: " مال خودمان ". می پرسیم: " خوب اینجا را کی ساخته؟ " میگوید " کارگر ". با لاجرم ما وقت ما در هم تکنه شده و با چار میثومیم ضعف خود را با لخمندی بیوثا نیسم. در همین جا دختر با خنده اش پرا اختراعی توضیح میدهد: " این جا مال آدمها بی مثل ما است، پولش را هم از ما در دیده اند، کارگرها اینجا را ساخته ولی سرما به دارانما حیش کرده. ما ۳۵ خانوار هستیم و در ۲۵ تا از این ساختمان ها زندگی می کنیم ".  
 مشغول صحبت با دختر هستیم که یک زن جوان و یک زن را لخورده دیگری هم به ما می پیوندند و بیختمنا می کشند که از یکی دو خانه دیدن کنیم. به منزل زن اولی وارد می شویم. بغیر از بلوچی که قسمتی از کف اتاق را پوشانده در نگاه اول چیز دیگری در آن به چشم نمی خورد. زن با دردمندی می گوید: " من ۶ بچه ام اینجا زندگی می کنیم. تازه قراره یک خانوار دیگه هم بیان اینجا، توی یک اتاقی دیگه ". چسبون آب و آبرمان ها برای گونت ساخته نشده اند در نتیجه آتیز خانه و سرویس ندارد. داخل هر یک از اواددهای آن یک یا دو خانوار زندگی میکنند روی درهای بیرونی نام صاحب کشندگان و تعداد عامله شان روی کاغذی نوشته شده است. یکی از زنان جوان در اتاقی زارده و خیر میدهد: " آقا بداله و دنگرفرا بده اند میخواند ما بیما صحت کنند ".  
 در همین موقع اهالی اتاق بیرون میریزند. مرد جوانی با چهره ای مصمم و قاطعه که بداله نام دارد با تردیدنگاهی بیما میکند و با بی میلی جواب میدهد: " باشه ". سه بچه او مرددیگه روزن میان سالی هم که بیرون آمده اند ما را داخل اتاق از همنای می کنند.  
 اتاق متوسط و آفتابگیری است. در یک گوشه کمد غامی قرار دارد و کنارش یک ملام الدین



و یک چراغ خوراکی بزی که روی هر دو قابلمه های میچونند سوسو غذا را در اتاق می پراکنند. از یک نفر سؤال کردیم که آیا اینجا مواد غذایی نظیر نان گران مایا بیدانه؟ گفتند " بله و برای همن مهمه ما شغای حاضری میخوریم " ما سخن صحت ها ایشان می فهمیم که هر چه دارند ما هم میخورند.  
 کمی بعد، دورتا دورتا قی پرا زنگاهای کنتکاو می شود شروع صحبت زن میان سالی شروع به درد دل می کند. صدای بغض آلودش نکایت اربنج و معنی دار دهگلی ما لباها تحمل کرده است. کمی لبه ترکی دارد می گوید: " ما از گود... آمده ایم، یک بچه مو، هنا نما ز دست

داده ام، فرق ند. خود ما لباها تا که در جرمیکتم ولی چه کنیم مجبورم. یک ممرتوی کشا فست و آفعال ها زندگی کردیم. حالا اینجا را ببیند کردیم او مدیم اینجا. همن شب اول کیمنه چی ها ریختند سرمون. کتکمون زدند و میخواستند بیرونمون کنند. تمام تنم کموده شده. یکی از زنها بجهفت ما هاش را ساقط کرده و مدتی توی بیما رستان بود ".  
 آقا بداله الله در دنیا ل صحت می گوید: " اولین روزی که به اینجا آمدیم ما موران کیمنه ریختند اینجا کتک کاری شد و شروع به تلک شیر هوشی کردند. قیلا یکی از همونها او مده بود پیش ما میگفت خوب کاری کرده اید. بعد هروتر عصرها نروزیه همن جمله کرده. بر قها را قطع کرده بودند. با لاجرم مجبور شدند در مقابل مقاومت ما عقب خشی کنند. بعد از اونم چندین بار ما موران کیمنه، کلانتری و بنیا دستمعیسن سراغمون آمده اند، ولی ما از اینجا نمیرویم. همه شروع می کشند به تحدیق کردن و هر کس چیزی اظهار میدارد یکی میگوید " ماییل ندا ریگما نیریم. تمام این مونه ها حالی است ما حتی نمیثومیم اجاره مونه بدهیم. آگسه میثونستیم که همنجا میمونیم. ما از اینجا نمیرویم چون جایی را ساری رفتن نداریم... کمک ما تا قی بر میثود. هر چند دقیقه یک بار دیوار میشود. فضای اتاق را صمیمیت و نزدیکی آنها پر میکند. کمک ما احساس راحتی می کنیم. مرد دیگری که سی ساله بنظر میرسد و پشت سر هم یکار دود میکند، می گوید: " شما میگویند به شما خانه میدهم، کو؟ از طرف بنیا دامنک آمده اند گفتند ما را بگیرید بیثیم چند نفر شهید بهسر یک، یک خانه بدهیم. میخواند ما را از همن جدا کنند. هر کما ما را به نقطه ای میزدند و وقتی که از همن جدا شدیم سرگوشمان کشند. کور خوانده اند ما بهتان گفتیم یک جایی گیر بیما و برید و همنما را با هم و نجا جا بدهید ما همه با هم هستیم "

یکدفعه چند نفر آمدند بودند اینجا و میگفتند کار خوبی نکردید، شما زمان قبول تیسرت و غذا پسی که میخورید چرا است " همه می خندیدند که : ای بابا همه چیز که چرا است ما این همه زحمت کشیده ایم دورا انقلاب آمدند ما و همه جنوب شیریا شنبدا دیدیم و ما رزه کرده ایم ولی زندگیمان هیچ فرقی نکرده چرا ؟ " همان مرد میگفت : "خدا او را تو بدبختی زندگی می گردیم . مستراح درست و حسابی هم جتنی نداشتیم . چاه نداشتند پرمشند و دستها یمان محبوس بودیم مستراح را خالی کنیم . آخر وقتی می دیدیم دستها مان از تماس با آجرهای مستراح زخمی شده ، معذرت میخواهم مجبور میشدیم درسطول رفع احتیاج کنیم و بسیرم بزین حالی کنیم . درد دلها شروع میشود . هر کسی شروع میکند به شکایت کردن از مستراح ها و چاه ها ، و ادامه میدهد : "بنداشتم ، البته این اواخر فشاری گذاشته بودند به این امید که ما روانجا نکند ، راندنا زه لوله آب متزکید و خونه های ما رو آب برداشت اینها دلشون نمخواست دودخ ما خوب باشه . دلشون میخواه که ما همونجا بمانیم فشاری و رهم و اسهال این گذاشتند و گریه اینها که دلشون بحال مانسوخته ! تازه اسوک ها چسی بکم ... " بلافاصله همه شروع می کنند از سوک ها و موشها گفتن . از بزرگی سوک ها و آزارای عمل موشها در خانه ! همه میزنند زیر خنده . با همه اینا ما شی ها روحیه تا دوعویسان سخن از توان فزونی نشستی آنها دارد . میبیریم : " خوب برتا معان چیست ؟ آقا بد الله جواب میدهد : " ما از اینجا به هیچ قیمتی نمیرویم ، بول اجاره میدن داریم بدیم . ما گفته اند زمین بهترن میدیم ، این برای کسانی خوبه که پول دارند بخونه بمانند . ما از اول میدونستیم که اینجا ما در افتادن نا دولت است ولی بیه درگیری رایب نمان ما میدیم . ما یک قطعه ما هم ما در کرده ایم و به چند جا

فرستادیم . از چند جا هم آمده اند از ما مکس گرفته اند ولی هیچ جا منعکس نکرده اند . بعد با لجنندی امانه میکند : " اگر دفعه دیگره حملسه کشند اول بچه ها را از اینجا ببرد می کشیم شوی کوچو و بعد هم خودمون می بریم . " مرد دیگری می گوید : " ای آقا چه فرقی میکند بینا ما رو بکشند من وقتی که پول ندا روم بچه ها دست سرا میگیرند و مور و میوه میخواهند من صدای میبیرم و زنده میشم حاله فرقی میکنه ، یکدفعه میبیرم و راحت میشم . " یک نفر دیگر میگوید : " درست که بیرو ما دریا ی ما مال دنا هستند ولی ما خودمون اینجا جون کشه ایم چرا هیچ چیز ندا ریم . من سی سال دارم و همیشه جلوی زین و جبهه ام رهنده ام . حالا بیایند بینند ما حساب این آقا زمانها ... و بقیه سرما پیدا رها از کجا آورده اند ؟ اطلاق میکنند اینها از اول چه داشته اند ؟ ما چهل خانسوار هستیم ندا زه نصف این آقا هم ندا ریم ولی این سرما پیدا رها برای هر کدام از اها لسی خوبا ده شون یک ما شین دارند ، تک نفری دارند ... ولی ما بدبختها چهل سال هم بعونیم همینطور هستیم چرا ؟ " در مورد دوری ز راه محل کارشان میبیریم جواب میدهد " بیشتر ما فیل در همین اطراف کار میکریم . هیچ انگاری ندا ردیشها بیکامت کمتر میخوایم و صبح تا شویس واحد میبریم سر کارمان . " اکثر خانوادها از طریق کارگری ، حملی مملگی آب حوض کشی و ... تا مین معان میگردند . بعضی ها شان هم بیکار رند که البته تعداد بیکارها از بعد از انقلاب افزایش یافته . تعدادی از بچه های بزرگتر میتوانند بعد از سابق خود برودولی بقیه بچه ها بحالت دوری راه موقتاً از تحصیل محروم شده اند . یکی از زنان می گوید : " نوشتی یا ساری میدهم ، خرید میکنم و خلاصه همه

کارها یمان با ما است . اگر یکدفعه ما رهم پیدا شون شد ( منظور ما موران کمیته است ) حسابشون رومیریم . " در اینجا اظهار تمایل می کنیم قطعه نامه را بسیم . در قطعه نامه ی اینترخی که در مورد ما رزه خودنا رژیم گذشته داده اند گفته اند که امید است تند که وضع مملکت بهتر شود و آنها هم از زندگی مرفه تری برخوردار شوند و مخصوص متفاتی که در راه بطه با ما مثل منک دانشته اند حل شود ولی پس از مدتی به این نتیجه رسیدند که با بدخوشان را با اقدام بندهمین منظور دست به ما زده اما رتبا های خالی رند خلاصه پس ارا تا راه محله با سارا ن و خوشگربیا بی که اعمال کرده بودند به گیرندگان قطعاً سه خطا رده است که در صورت پیش آمدن هر مسئله ای کمیته محل مسئول خواهد بود . آقا بد الله می گفت که " شورای گود نشین ها " از آنها حمایت نکرده است . در مورد شورا میگوید : " به بعضی ها کاروا شورا بی در جاده کرج بعنوان خانه داده بودند در جایی خیلی کشیف و خراب بطوریکه اها لی قشور نگردید و بعد از مدتی دوباکت پرا زنگن سرای آقای شپردا رده به پرتا دند ! " بیگانه جادی با مصمیمت و مهربانی بدرقه ما ن می کنند برایشی خوروا آنها در کشتار خانوادها ی مرفه و مدرن آن محله هر چه بیشتر تفا دهای جامعه ما را به نمایش می گذارد . فردای هسان روز در روزنا مها میخوانیم که سخنرا نی ها و فوا نیسی در جهت " طبقه گیری از بی نظمی و هرج و مرج " و " طبقه گیری از تصرف ما خصمانها و از بی مردم " بعمل آمده . در روزنا به میجنشته ۲۲۲ ذرما آمده " تا تصرف زمین ، خانه و اموال بنده ما رزه می شود " مسئولانی که در زمینه ما ، ره با تصرف عدوانی تصور کنند بدنت مورد ما اخذ قرار خواهند گرفت . وزارت مسکن تیرا لایحه ای ما در میکند . بختی

از این اعلامیه چنین است : " ... به همه متعلقین اکیدا اخطار میگردد : چنانچه دست از تجاوز عدوانی خود برندانند ، ساکلیه امکانات نا آنها ما رزه خواهد شد و در داکا های خارج از نوبت انقلابی ، محاکمه و سزا شد محاررات محکوم خواهند شد . " بنظر وزارت مسکن این نوع اعمال از سوی افرادی " سوجدو " و " صد انقلابی " انجام می گردد .



فدراژهرگونه عمل خدا انجلسی خطوگسری نماسد، سخنگوی مذکور افزود: بموجب این دستورالعمل با توجه به توسعه دامن متعاضدات اراضی و املاک مردم و دستهای مرمری که در کار دستا در امور اقتصادی و کشاورزی ایجاد هرک و مرجع بوده... و تحت عنوان جمعاً از مستقیم و سایر رزمه سا سرمایه به کشتزارها و مزار و اموال مسردم بخا و زمی بسامد...

با مدارا قایان برسند این "مردم" که شما از آنها مرتب سخن منگو شد و تصرف و مدارا شما "اموال" "ساختمانها" "کشتزارها" و "اراضی" آنها را حرام میندازد چه کمپنی هستند؟ اینها چگونه "مردمانی" هستند؟ از جامعه مال وصال

سزوردا ریدو خودشان کجا شریف دادند که از "اموالشان" مرا منت کنند؟ آیا اینها همان زمینداران بزرگ، سرمایه داران، رباخواران و ویرانگران خلق ما هستند که اکنون رگنورهای اروپایی و آمریکایی سرسبز و اوردولت انجلسی انتظار دارند برایشان سرمایه هایشان و اموالشان را حفظ و خراست کنند؟ مردم رحمکنش منبش ماه خوبی نه حقوق خود و آفت بوده و سایر دیگر سرمایه کعبت سرما به... داران و جها و لکریان کردن نخواهند شد. دولت جمهوری اسلامی با بدیه های سیربنا اعمال انجلسی مردم، هر چه و در ان فدا ما تا لاجر جهت حل مشکل ممکن سزای مردم رحمکنش انجام دهد.



کلیه یارب حرب گره و روزنه صد مردم



ما رنگار وانه پوریلان... جنگ تحمیلی به طوق کرد... خطوط و گروهای ایمنی را... کارهای ایمنی و... انتظار می خوریم از... مردم نیست... کردندگان روزنه صد مردم... خوش گذشتی بخوبی و به فریاد... خوار و سولف نهد... انچه قلبی زنان... آنا ستا معانی ما را... مجموعه نمایی... سیاسی و... از حیات... قابل... برخواهد...

طرح ما فتنه که به... سخن ما فکری... روزنه صد مردم... مردمی... دست... انچه قلبی زنان... آنا ستا معانی ما را... مجموعه نمایی... سیاسی و... از حیات... قابل... برخواهد...

مردم را در... (Faded header text)

دومیتیللا سخن میگوید

نویسنده: مامو وینزار



درباره داستان

این داستان زنی است از "آندورا" بولیوی، همسر یک معدنی، ما در جهت فرزندی و رهبر زنان مبارزان کاتوی (Catavi) کتاب گزارشی است دست اول از معاشه مردم کارگران معادن و دولت بولیوی طی سال زده سال اخیر، سندی است درباره تجربیات مردم عادی و فقیر که میتوان به عنوان وسیله ای برای تفکر در ایمنی بکار آورد و نیز میتواند برای زنان و مردان دیگری که به جنبش مسرد بولیوی و کشورهای دیگر به ویژه در آمریکای لاتین متعلقند، مفید واقع گردد.

دومیتیللا مدعی نیست که تحلیلی تاریخی از بولیوی، جنبش اتحادیه معدنیان و یا همیشه

معرفی نام از مقدمه نویسنده برکتیاب استخراج شده.

"زنان خانه های ریگنوه" را بدست می دهد، او فقط زندگی خود و چگونگی آن و آنچه را که برای ادامه مساززه، مسازره ای که از خلال آن طبقه کارگر و جنبش مردم که میروند تا سرسوت خود را بدست گیرند، آموخته است روایت میکند، کتاب به سه بخش تقسیم شده است:

اول بخشی که دومیتیللا مردم خود، شرایط کار و زندگی مردان و زنان معادن و اتحاد آن هیا را در جنبش سازمان یافته کارگران توضیح میدهد. دوم بخشی که از زندگی خود را که در میان مردمش گذرانده، در رابطه با واقعیت تاریخی روایت می کند. سوم بخشی که سیمای معادن را در سال ۱۹۷۶، مخصوصاً بعد از انقباض معدنیان در طول زویش و زویش نشان میدهد. آنچه در این جا ارائه میگردد سخنرانی یک جانبه "دومیتیللا" نیست. کتاب حاصل مباحثه های متعددی است که نویسنده "مامو وینزار" MeoMax vizar با او در بولیوی و در مکزیکو انجام داده. همینطور سخنرانی های او و گفتگوهای که با گروه های از کارگران، دانشجویان، کارکنان دانشگاه، تنمندی های آمریکای جنوبی در مکزیک و سایر دانشجویان مطبوعاتی و را دیونولوسریون داشته است. بگذارد و میتیللا سخن بگوید.

دومینتلا سخن می گوید

منی خواهم بچیکس درهچ لحنه های داستانی را که می رگومی کنم، به عنوان چیزی معرفی نمی تعبیر کنند، زیرا که فکرمی کنم زندگی من با زندگی مردم در ارتباط است آنچه که برای من رخ داد می توانم برای مدها نفر از مردم کشورم رخ داده باشد. می خواهم این را روشن سازم، چون می دانم خاصی بوده اند که خیلی بیش از من به مردم خدمت کرده اند اما حالا مرده اند و یا سخت آنرا ندانند که شما حتماً می شناسید.

همین جا طراست که می گویم خدمت دارم فقط یک داستان شخصی را نقل کنم. میخواهم درباره مردم صحبت کنم، می خواهم درباره شما می تجربه ای که ما در طی سالهای منمادی مبارزه در بولیوی بدست آورده ایم گواه بیاورم. و بعد از دهان نشن آدای سهم کنم. با این امید که تجربه ما به نحوی برای نسل جدید، برای مردم جدید مفید واقع شود.

همچنین می خواهم بگویم که این کتاب را عالی ترین نمونه کار خود در بولیوی سال بین المللی زبان می دانم. ما در آن جا وقت چندانی نداستیم تا با هم در میان رتیماس آن چیزهایی که مورد علاقه ما بود، صحبت و گفتگو کنیم. و اکنون من این فرصت را یافته ام.

و سرانجام میخواهم یادآور شوم که این کتاب، گزارش تجربه شخصی من از مردم می باشد، مردمی که برای آزادی خودی جنگند و من همتم را به آن ها مدیونم. بلی، می خواهم این کتاب به دست فقیرترین مردمان برسد، مردمی که بولی در بساط ندانند اما نیازمند راهنمایی و سرمشق هایی هستند که در زندگی آینده آن بکار آید. به خاطر آن هاست که موافقت کردم تا آنچه که می خواهم با زگو کنم به رشته تحریر در آورم. این هم نیست که روی به منو کا گاندی نوشته

نمود. مهم آن است که برای طبقه کارگر با یه دای داشته باشد، نه فقط برای روشنفکران با کتبی که آ این چیزها برایشان تنها یک سرگرمی است.

مندن

بولیوی در مخروط جنوبی (۱) در قلمب آمریکا جنوبی واقع است. این کشور فقط ۵ میلیون نفر جمعیت دارد. تعداد مابولیبولیها بطرز حقیقتی کم است.

تقریباً ما نصف تمام مردم آمریکا جنوبی، ما بر این اسپانیایی حرف میزنیم. اما پدرانمان زبان های متفاوت خودشان را داشتند. کوچو Quachua و آیمرا Aymera دو زبان عمده آنها بودند و امروزه بسیاری از دهقانان و معدنیان به این دوربان تکلم می کنند، اما این دوربان در شهرها نیز تا حدی حفظ شده اند، به خصوص در کوچا با ما (Cochabamba) و پوتسی (Potosi) که عده زیادی به زبان کوچو، و در لاپاز (Lapaz) که بسیاری به زبان آیمرا حرف می زنند، همچنین بسیاری از روستاهای آنها باقی مانده اند، مثل هریبا مندک که در ریاض موسیقی، که حتی در این روزگار نیز توجیه زیادی را بخود جلب می کنند، این طور نیست؟ می دانم از این که در رگم خون ریخته استی دارم به خود میبالم، همانطور هم آنرا میگویم که زن یک معدنی هست، دلم میخواهد همه به آن چه که هستند و به آنچه که دارند بسپارند، به رفیقان به زبان، موسیقی شان، به طرز زندگی شان و اینکه از خارج نفوذ پذیرند. و با نسل گذشته که در نهایت تقلید دیگران را در پس آورده، دیگری است که در نهایت ارزش چندانی برای جامعه ما ندارد. نیاز ورده اند.

کشور ما بسیار رفتی است، به خصوص از نظر مواد معدنی ما مثل قلع، سقره، طلا، سیمونت.

1) Southern Cane

روی و آهن، نفت و گاز نیز از منابع مهم مورد بهره برداری هستند. در ناحیه شرقی مناطق دایمیریوری بزرگی دارم و ما حب متکل، میوه و مغز در بر باد می تولیدات کشاورزی هستیم.

در طاه مردم بولیوی مالک این ثروت هستند: مثلاً معادن، به خصوص معادن بزرگ در مالکیت دولت است. این معادن ملی شدند و از دست مالکانشان بانیشو (Patino) هورکاشیلد (Hochaschild) و آرا ما سو (Aranayo) درآمده اند. ما این مالکان را "یارون های قلع" مینامیدیم، آنها با کسب ثروت های هنگفتی در همه جا مشهور شدند. حتی گفته می شود که با تینوکی از پنج میلیون اول جهان است، اینطور نیست؟ این آقایان همه بولیویایی بودند، اما با چنان قشربندی که به مردم بولیوی می کردند، آنها تمام قلع های ما را به کشورهای دیگر فروختند و ما را در بدبختی گذاشتند، چون تمام سرمایه های خود را در خارج، در بانک ها، صنایع و هتل ها و از این قبیل، سرمایه گذاری کردند. بدین ترتیب وقتی معدن ها شان ملی شدند، در واقع دیگر چیزی در بولیوی باقی نمانده بود. با این حال به آن ها فرصت میباید دادند، وجه بدبختی بزرگی! گروه پولدار جدید بوجود آمده اند و مردم هیچگونه نفی از ملی شدن نبرده اند.

اکثریت مردم بولیوی دهقان هستند، حدود ۷۰ درصد جمعیت ما در روستاها سیر میزند. آنها در حقیقت فقیرترین فقیرمکن زندگی میکنند، حتی بدتر از ما معدنیان، با این تفاوت که ما در سرزمین خودمان، چون خانه داریم، مثل کولی های زندگی می کنیم. فقط خان بناهای از طرف شرکت در مدت زمانی که کارگر فعال هستیم به عاریه در اختیارمان گذاشته میشود.

حال اگر این حقیقت دارد که بولیوی کشوری سرشار از مواد خام است، پس چرا در این کشور اینهمه مردم تهیست وجود دارد؟ و چرا

سطح زندگی آن در مقایسه با ما بکشورها، حتی در آمریکا لاتین، تا این حد پایین است؟ بله، این به خاطر خروج ارز (۱) است. در بولیوی مردم تروتمند را بداندند، اما پولشان را در خارج سرمایه گذاری می کنند. دارایی ما (منظور نیروی کار استیم) در پائین ترین قیمت ممکن وطنی توافق جاشی که سودی برای ما ندارد، بدست سرمایه داران حریفی می افتد. بولیوی از نظر طبیعت و وضع خوبی دارد، ما می توانستیم کشور تروتمندی را در جهان بسازیم، با وجودیکه تا کنین این کشور بسیار رانده است، این ثروت ها ما را متعلق ندادند. شخصی گفته است "بولیوی قوی العاده فنی است، اما ساکنان آن واقعاً هستند." و این حقیقت دارد، چون بولیوی زیر سلطه شرکت های چندملیتی است که اقتصاد کشور ما را تحت کنترل دارند. بسیاری از بولیویایی ها از این موضوع سود می برند و خود را به چند دلار به خارج میفرستند، با چاهی ها مانند ات کرده و از اسباب های آنان جا نماداری می کنند. مسئله شان تنها این است که چند ریشتر میخوانند به جنگ آورند. هزاران ریشتر کارگران را استثمار میکنند، به همان نسبت خوشحال ترند. برای آنها مسئله ای نیست که حتی کارگران از کورسنگی و بیماری از بیاد آورند.

سهرال، نامم بنام مفیداری از تجربه های خودمان را در بولیوی برای شما بازگو کنم، از آن جا که در یک مرکز معدنی زندگی می کنم، آنچه که می دانم بیشتر در سواره معدنیان است.

در بولیوی تقریباً ۶۰ درصد ملی از استخراج معادن بدست می آید، مقصد آن را نفت و سایر منابع استخراجی نامین می یود.

به نظر میرسد که دوسوی بیست هزار کارگر در معادن دولتی مشغول کارند. و ما اکنون

1) Currency drain

حدود ۳۵ هزار نفر دیگر در معادن عمومی کار میکنند. این کشور میکنند. رسولی تقریباً ۷۰ هزار معدنی وجود دارد.

معادن ملی شده توسط شرکت معدن بولیوی (۱) که مانتا را کمبیل Comibol (۲) می خوانیم، اداره می شود. یک اداره مرکزی در لاپاز وجود دارد. اداره ملی در هر یک از ۱۰ استان معدنی شامل معادن سیکلو-کاناوی-سوکای با تینو-میرالوروس، و اداره میکند. این بزرگترین مرکز معدنی بولیوی است. بسیاری ترین تجربیات انتقالی، و جایی است که بیشترین کشتارها توسط دولت های مختلف در آن رخ داده است.

در خارج از معادن تکنسین ها و کارمندان شرکت در اینها کارخانه ها و کارخانه فلز. در آسیاب با کارخانه تصفیه مواد معدنی، در فرورنگاه (۳) و در برخی خدمات اجتماعی شرکت کار می کنند. در داخل معدن، معدنیان مشغول کارند، آنها هر روز صبح مجبورند که به عمق معدن بروند، تا حدی که به جای تا سالم میروند، جایی که به اندازه کافی هوا موجود نیست و بهای زندگی زیاده از زیاده از کوپاگیرا (Copaigira) تولید میشود. (۴) آنها مجبورند که ۸ ساعت آنجا بمانند و سنگ معدن استخراج کنند.

- 1) Minia Corporation of Bolivia
- 2) Corporacion Minera de Bolivia
- (۳) این فرونگاه ها به عنوان "مراکز تا مین ما بحتاج" شناخته شده اند و به وسیله شرکت اداره میشوند. غذا و سایر مایحتاج به کارگران به طور مجربندی فروخته میشود که از دستمزدها تا آن که مگر گردد.
- (۴) Copagira ارکله Copaquire معدنی می شود، به معنی آب معدنی شده که رنگ زرد با فولادی دارد و زشتی فلزات حاصل می گردد.

در گذشته، در اوایل کار معدن، آنها به اندازدیک رگه تنها به دنبال قطع مرغوب بودند، اما حدوداً در عرض بیست سال گذشته، وسع درگروگن شده است. دیگر قطع چندان وجود ندارد. به همین دلیل روش انفجاری معدن Block Caving را در پیش گرفته اند. به این ترتیب که در داخل معدن دیسک میسازند که در آنجا یک سیمانی از ماده گوه را متعرج می کنند. معدنیان تمام سنگ ها را استخراج می سازند و به دستگاه خردکننده و سپس آسیاب میفرستند که خرد آسیاب شده سنگ معدن استخراج گردد. از مقدار زیادی سنگ فقط اندکی سنگ معدن خالص به دست می آید. این روش کار، بسیار دشوار و خطرناک است. چون تمام چیز متعرج می گردد، همه چیز به اطراف پرتاب می شود، و کلی گرد و خاک به همه جا وارد می شود، بطوری که نمیتوانی یک مترتی جلوی خود را ببینی. حوادث زیادی نیز رخ می دهد زیرا بعضی اوقات کارگران مگر می کنند که تمام دنیا میتها متعرج شده اند، بنابراین به کار خود ادامه می دهند و گاهی آن انفجار دیگری رخ می دهد، و آنها، ملاحظه کنید، درست در همان جا که ایستاده اند تکه تکه میشوند. به این خاطر است که من نمی خواهم شوهرم با این روش کار کند، حتی اگر کارگرانی که آنجا کار می کنند، مزد بیشتری دریافت کنند.

کارگران دیگری نیز وجود دارند. برای مثال رگه با بان (۱) (Veneristas) معدنیانی که برای خودشان کار می کنند و سنگ معدن خود را به شرکت می فروشند. حدوداً ده هزار رگه با بد در گوه های سه یا چهار نفری با سنگ سردسته مشغول کار هستند. آن ها گودالهایی به قطر یک یا یک متر و نیم و به عمق یا نزده متر متعرج می کنند تا به صخره برسند. سپس با طناب به پایین می روند و تونل های کوچکی ایجاد کرده

1) Veiners

که درون آن ها می خردند و به مجموعی قلعی که درون مغزهای صخره شده است می بردند. در این جا هیچ حفاظی و هیچ نوع تنبویه هوایی وجود ندارد. این بدترین تغذیه است. بسیاری از آنها که با این کار دست می زنند کارگرانی هستند که شرکت آنها را به علت ابتلا به سوسیلیسیس (Silicosis) که یک بیماری شغلی معدنیان است با ریشه کرده است. و چون هیچ جای دیگری برای کار نمی شناسند مجبورند که راهی برای نجات خویش بیابند. دهقانانی نیز هستند که ارلاکوا (Llallaqua) می آیند و در برخی خود را به عنوان معدنی با این رگه با ها شروع می کنند. اینها در شرایط سخت و خستگی از سر به زندگی می کنند، زیرا رگه با ها ۱۰ پیرو (۲) نامی دلا در روز به آنها می پردازند.

کارگران دیگر لوکا تا ریوس ها (Locatavis) هستند، آنها نیز برای خودشان کار می کنند و سنگ معدن خود را به شرکت میفرروشند. اما شرکت هیچ چیز آنها را تهیه نمی کند، نه سبیل، نه کلنگ و نه دیسک میت و نه هیچ چیز دیگری. آنها مجبورند همه چیز، هم پول (۳) Pesos واحد پول بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، م.

را بخردند. شرکت تقابلی را که به نام زکی استخراج شده اند و به یونسک معدن بیشتر دارند. اختیار آنها می گذارد. بهر حال، کمپانیها همیشه مقدار زیادی می مانند. شرکت بر مناسبت کیفیت خوب یا بد سنگ معدنی که لوکا تا ریوسها پیدا می کنند به آنها پرداخت می کند. اما فکر میکنم همیشه ۴ درصد حق استفاده از ناحیه را برای خودنگ می دارد.

لامروس ها (Lameros) دسته دیگری اند، این ها کسانی هستند که سنگ معدن را می خورند. شرکت در دستگاری، سنگ معدن را می فشارد که آن را مایعی خاص می شود که ضمن جاری شدن این مایع قلع آن مایعی می ماند، و به یک سوپر آب گل آلود و غلیظ تبدیل می شود. لامروس ها قلع را گردآوری می کنند و آنرا می خورند و آنرا می کنند و به شرکت بازمی گردانند. و اما لامروس ها ارلوکا تا ریوس ها کم نصب ترند، چون لوکا تا ریوس ها جای نا تنی دارند. حال آنکه لامروس ها چشمان را به اینجا و آنجا می کشند تا چیزی گیر نیاید. چه بسا که مدت مدیدی کار کنند، بی آنکه چیزی تمیضان شود. بنا بر این در این مراکز معدنی گروه های مختلفی بکار میروند.

ادامه دارد

توان آغاز میشود



(۱۸۹۷)

از مجموعه "آفریترهای خلقی"

"که کولوبیتی"

## عشقی

## شاعر آزاده و میهن دوست

این مملکت انقلاب میخواهد  
خونریزی بی حساب میخواهد  
امروزه گردوخاک آزادی ملک  
از خون من و تو باد  
این کاغذ کهن خراب میباید کرد  
این شهرخون خراب میباید کرد  
با درگرا انقلاب میباید کرد

میرزا ده عشقی نامی مکترو آورنده  
سنگی نوین در شعرو نای نوری بود، که بر سر میهن  
دوستی و با زبانی پندری اش جان ساخت. عشقی  
در دوران آشفته ای از تاریخ ایران میزیست و  
هر چند با توجه به روح شاعرانه و حساسی که داشت،  
در بسیاری از اشعارش باس و بدبینی و پنداری  
از زندگی چشم میخورد اما عمده اشعارش  
انتقادار و واقع سیاسی وقت، و سیاستمداران  
خباثتکار رو خود پرورش و ترویج الدوله و قوام  
السلطنه و سردار رسبه اعتمادی را در که بگمان او؛  
دادند هر یک از دیگری بهتر متحان  
درا حسی پرستی و بیگانه نه پروری!  
اشعار او همچنان بر است از اعتراض بی هیه  
بیعدالتی های اجتماعی و دلسوزی بحال  
بسیار با آن و گنجه نیست به اغنیا و ثروتمندان.  
مخالفین عشقی او را آتش نیست و هرج و مرج  
طلب میداند نشتند اما عشقی در حقیقت با افکار  
ارتجاعی و وابستگی زمان خود در جنگ بود.  
در بسیاری از اشعارش بر ضرورت آزادی زبان،



منع اردواج های اجباری و زناشویی های  
نامناسب تکه میکرد و مرتعسینی را که خواهان  
با زگردا بدن جا معده بفرما بودند مورد حمله  
فرما میداد. عشقی با نجات کم نظیری که در  
سیان نظریات سیاسی اش داشت نمی توانست  
موردتادبیرتجمعین و سیاستمداران وطن  
فروشی چون رضاخان قرار گیرد. او از زندان  
و مرگ پروا نداشت. سخنرانی های تند و  
مغالطات و شعار عشقی بر ضد قزاقان و توتوق الدوله  
که آنرا "معا مله فروش ایران" می نامید چندی  
او را روانه زندان ساخت و سرانجام تیبسودر ۲۱  
سالگی بدست نوکران رضاخان سردار رسبه  
شهادت رسید.

شهر فرنگ است ای کلانندیها

موقع جنگ است ای کلانندیها

خمسگی از زور و ده ماهه که روش

آهن و سنگ است ای کلانندیها

بنده قلم بدستم است و دست شما

بیل و کلنگ است ای کلانندیها

زور بیا بردای کلانندیها

دست در بردای کلانندیها

رو بگو این نکته بر عوام نما

کله کشیده ها سه جاک قبا ما

حق شما را کتند با بی عویا ما

گر که تنها بدقیام و کوشش ما

کوشش ما ها بی حقوق شما است

به که شما ها کمک کنید شما

از چه کنای بردای کلانندیها

دست در بردای کلانندیها

## ماموران کمیته از نمایش فیلم در منطقه پل سیمان جلوگیری کردند

## در دبیرستان مدتی چه گذشت

در عا بسند. ما در یکی از دانش آموزان با اشاره  
به یکی از اعضاء کمیته و سابقه نا اخلای و رفتار  
ناپسندی در گذشته و حال، می گفت "با سزاوار  
است که اینها بتوانند در مورد طرز رفتار و عمل  
مردم تصمیم بگیرند؟"

فیلم مورد بحث علیرغم استدلال دانش  
آموزان و خواهاندهای آنان که: "اگر بنده  
مردمی است چرا در تلوویزیون جمهوری اسلامی  
نمایش داده شده؟" سرانجام بنمایش داده شد اما  
شوال تاسف آوری که برای ما مطرح میشود  
اینست که در شرایط حاسی که ختم و نفرت همه  
مردم ایران با بنده متوجه امپریالیسم جنایتکار  
آمریکا باشد. در شرایطی که بیش از هر زمان  
دیگر به یکپارچگی و وحدت عمل نیروهای مردمی  
نیاز داریم. در شرایطی که باید تمام امکانات  
در جهت افزایش آگاهی اجتماعی بوده های  
مردم کوشش شود. جمله به اجتماعات و سخنرانیها  
و غیره را به چه می توان تعبیر کرد جز اینکه عناصر  
و گروههای آژاکهای مردم و حشود را بنده و با تمام  
توان میخواهند از آن جلوگیری کنند؟ و اینان  
در خدمت منافع چه کسانی هستند؟

بغا کشین زمین، آسمان و عود گردد  
زمان کشتن افواج مرده شوگرد  
سبط خاکرخین پلیدشان رنگین  
وزیر عدلیه ها بر فرار زار روند  
رئیس نظمیسه ها سوی آندیسار روند  
کفیل ما لیه ها زنده در مزار روند  
وزیر خراجه ها از جهان کسار روند  
کنانمانند از ایشان نشان بروی  
زمین

زور بیا رشتنه ۱۴ آذر ماه فرار شود در  
دبیرستان دخترانه بمدق. از جانب "اتحاد  
ملی زبان" فیلم مدافعات گل سرخی و جنایات  
رژیم شاه نمایش داده شود. اما طاهرا این فیلم  
با سلیقه مسئولین کمیته پل سیمان هماهنگی  
نداشت. زیرا هنوز زمان پیش فیلم به پایان  
نرسیده بود که با داران مبلغ سر رسیدند و  
علیرغم اعتراضات دانش آموزان و شعارهای  
"مرگ بر ارتجاع"، "مرگ بر آمریکا" و "زور دسر  
گل سرخی". و دیگر بنام بنده اتحاد ملی زبان به  
کمیته رسیدند. مراجعه مدیر، معلمان و  
دانش آموزان مدرسه به آموزش و پرورش منطقه و  
رفتن دو نما بنده شورای دانش آموزان بنده  
کمیته محل همرا با اعتراضات شدید هالی محل  
به پیشانی اش درخواست فرزندان خود، مسئولین  
کمیته را در اساحت نما بنده گان "اتحاد ملی  
زبان" را آزاد کنند. نکته تاسف آور رفتار  
با داران و مسئولین کمیته در این منطقه است  
که شدیداً سب اعتراض و خشم هالی منطقه  
مخصوص دانش آموزان دختر فرار دادند که گفته  
خودشان دانشا از مزاحمت های بنده از ان

چه خوب روی آبرو زور و کشتار است  
گران زمان بر سه زنده شوی بسیار است  
حواله همه این مجال بردار است  
برای هاشین چوب و طشان در کار است  
سزای جمله شو داده از بیار و بسین

تمام مملکت آبرو زور و زور گردد  
که قهر ملت با ظلم زور و زور گردد

گزارشی از دبیرستان مرجان

دانش آموزان بر علیه تبعیضات طبقاتی در آموزش و پرورش

مبارزه می کنند!

خبر تخمین دخترا ن دانش آموز دبیرستان مرجان را در روزنامه های یکشنبه ۲۵ آذرماه خواندیم و یکسرا در دیگر مشکلات و مسائل آموزشی که از مسائل عمومی و جاری جامعه دانشی ناپذیرند خود را با تمام علقت و بیچندگی سرخ کشیدند. کودکان و جوانان و میهن ما هرگز از امکانات لازم کافی تحصیلی و روابط سالم آموزشی برخوردار نگشته اند. زیرا که روابط غالب در مدارس پیش از آنکه رابطه مفید و محترم باشد در واقع رابطه صحت آموزشی باشد. نمیکنند که روابط طبقاتی و ناهنجار و ناعادلانه باشد. مدارس به دو بخش دولتی و خصوصی (ملی) قسمت شده بودند. در حالیکه مدارس دولتی با اتقائاتی کوچک و سرد و تاریک، امکانات نا کافی، و سطح نازل تعلیم تربیت مشخص نمیکند، مدارس ملی از پیشتر به امکانات موجود، آموزگاران و روزبهه، اتقائاتی بزرگ و افتخارگیر بهره مند بودند. بچه هایی که به مدارس ملی میزفتند سروسین ایات و ناهنجار، ناهار نخوری، آزما بی نگاه و بیبرتا مگردش های علمی داشتند. در صورتیکه بچه های جنوب شهر در دو یا سه سو یا حتی چهار روستا مدرسه میرفتند، همیشه کمبود معلم داشتند و کلاسهایشان نامرتب و نامنور بود.

اما در این میان تفاوت مهمتری این دو گروه را از هم جدا میکرد که همانا میزان شهریه بود. دانش آموزان مدارس ملی شهریه های کلان و خوبی می پرداختند و همین موضوع باعث

مدارس خصوصی اختصا می یافتند و شهریه مدارسی "طبیعاً" کمکان سرسام آور و امکان ورود امرا دگرددند و شهریه این مدارس معریود. حالت استعجاب است که در مقابل موج اعتراضات دانش آموزان مدارس شرایط، آقای گنیل آموزش و پرورش "دولت انقلابی" نظور ضمنی اینس تبعیضات را نادیده و توجه میگرداند و اظهار میداند که چون شهریه بیشتری ارجا نوا ده های مؤلفه دریافت میگردند برای بچه های اینها میخوانند از این تسهیلات استغنا ده کند! و بعد هم با عنوان کردن این مطلب که "بینه های مدارس شمال و جنوب" اعتراض و نظا هرات ندارد! اصل مسئله را لوث نموده و به این ترتیب ثابت کرده اند که تنها در فکر ایجاد دگرگونیها بی اساسی در سطح آموزش و پرورش هستند بلکه خود نیز این تبعیضات و اختلافات طبقاتی را تاشد و توجه می کنند.

سروا ن است که هم مدارس اینگونه مدارس و گروههای فرهنگی بزرگ و کموسوی دلگرمی بیشتر برای ادا میجیا و لگربها و نزدیها پیدا کرده و حتی میزان شهریه ها را نسبت به مال پیش افزایش دادند!

حرکت اعتراضی دانش آموزان دختر دبیرستان مرجان نمونه موفقی برای افشای این چپا و لگربها و تسهیلات است. دبیران این دانش آموزان میروند و با یکی دو نفر از آنها و نما میگذارند و دترواری دانش آموزی به گفتگو می نشینیم. میگویند: این گروه فرهنگی بوسله سرما به اداران بصورت شرکت سهامی اداره میشود. یکی دو نفرشان سهامدار عمدتاً هستند مثل حاجلی ومدری. چندتا از آموزگاران همسها کمپوک دارند. مدرسه ۱۲۰۰ شاگرد دارد و به استثنای ۲۰۰ نفری که تعدیاد ده انداریه ۳۰/۰۰۰۰ ریال شهریه میگیرند. حیاط این مدرسه اول بزرگ بود ولی سهامداران بدینسال میخواستند ریاضت کشند و دیوارهایی فضای

شهریه را کوچک و کوچکتر کردند. بنا رکی هم بدون اطلاع ما نصف ساختمان حیاط را بتفکیک نموده و گفتند که در قسمت دیگر فرار است بیک شرکت تاسیس شود! بچه ها از این مسئله ناراضی و معضالی بودند. از طرف دیگر همس سرمایه دارها (حافظی وغیره) در زمان شاه، بچه های فعال را بهما واگ لپودا ده بودند و با خراش ارمافع سرمایه داران ختم بچه ها را نسبت به خود برتابگشته بودند. ما برای این بهیشتیاد تعدادی از بچه ها و تصویب ثورا تصمیم گرفتیم دیوارها را خراب کنیم و این را زوالیستان را از اینجا بیرون کنیم. ما همچنین خواهان مدارس موال مدرسه به نفع مدارس و بچه های جنوب بیروندیم. بنا برای این تعداد از کتاب کردن دیوار و تصرف از آقای حافظی. چون میخواستیم از راههای قانونی وارد شده و طبق اعتراضها و چشمه ها را بگیریم ما با دستا سی انقلاب و کمیته تماس گرفتیم. بناظر محافظت از مدرک فرار شد که در دبیرستان ما مابیم حدود ۳۰ نفر مان در مدرسه ما ندیم. اتحاد و یکپارچگی و ایمان بچه ها در پیشبرد هدفمان نقش بسیار موفقی داشت. در همان شب اول آقای ثوربالی سهامیاد آموزش و پرورش به دبیرستان آمد و برای اداره مدرسه "هیئت امنه" را پیشنهاد کرد. هیئت امنه از دو نفر از اولیا دانش آموزان، دو نفر از طرف ثوربالی، دبیران، مدیر، سهامیاد آموزش و پرورش و نمایا بینه گروه سهامداران تشکیل می شد. و معلوم بود که آقایان سرما به ادارا خیال راحت روی ددرسر بیت بیزه مشغول رفعا ندن هیئت امنه استی معلوم الحال خواهد شد و با اینهمه رخصتی که بچه ها متحمل شده اند، تنها برنامنا بق صورت قانونی پیدا کرده و هیچکدام از خواست های دانش آموزان (معدنا دولتی کردن مدرسه) جامه عمل نخواهد پوشید. "دبیرا رطلتی چند نشان ما را تاشد بکردن دولتی ما مقاومت کردیم



ما اجازه نمیدهم حتی يك ريال هم به جیب این سرمایه‌داران برود .

تا اینکه بالاخره از طرف دادستانی انقلاب بیرونمان کردند ولی ما تصمیم داریم تا آخر ماجرا ایستادگی کنیم . مایینتها همی کنیم ازا مکانات مدرسه بطریق صحیح استفاده کنند مثلا میتوانند آزماشگاه بزرگی اینجا بسازند بطوریکه بچه‌های مدارس دیگر هم بیایند و آن استفاده کنند . در ضمن این مدرسه کجا باش دانش آموزی بتری را دارد و میتوان بیایند بفرستند دانش آموزان این طایفه این طرفت را تکمیل کرد . ما اجازه نمیدهم حتی یک ريال

هم به جیب این سرمایه‌داران برود . ما نمیخواهیم شهریه‌ها بماند را پس بگیریم . میخواهیم اربوبلهای ما برای بهبود وضع مدارس جنوب شهر استفاده شود .



ما نمیخواهیم شهریه‌ها بماند را پس بگیریم ، میخواهیم از پول‌های عابری بیهود وضع مدارس جنوب شهر استفاده شود .

حمله به دفاتر نیروهای انقلابی را محکوم میکنم

در این مقطع از مبارزات ضد امپریالیستی ، حمله به دفاتر نیروهای انقلابی از جمله سازمان "مجاهدین خلق ایران" جز در خدمت منحرف نمودن مبارزات ضد امپریالیستی مردم نیست . حملات متعدد به این سازمان با بازداشت بدون دلیل "مجاهد سعادت" شروع شده که هنوز هم در بند دژخیمان اسیر است . این حملات که تا به امروز ادامه پیدا کرده است و بخصوص در این مقطع به شکل بورشبه دفاتر این سازمان و بازداشت تعدادی از اعضا مبارزان انجام

میگیرد . با برنامه قبلی از جانب نیروهای ارتجاعی صورت گرفته و حرکتی است آگاهانه در جهت ضربه زدن به مبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم و پایگاه‌های داخلی . ما خواهان توقف این حملات به دفاتر سازمان مجاهدین خلق ، بازگرداندن آن دفاتر به این سازمان و آزادی بدون قید و شرط مجاهدین در بند میباشیم .

"اتحاد ملی زنان"  
۵۸/۱۰/۸

پای درد دل يك زن زحمتکش



میگوید : سیزده سال ونیم پیش ازدواج کردم . سه تا بچه دارم . هر سه تا دختر هستند . دوتا شان پیش من هستند و دختر بزرگ پیش شوهرم . یکسال و نیم پیش شوهرم رفت زن گرفت . شش ساله اش پیش من بود . داده بود دست من تا مطمئن باشم نمیرودرن بگیرد . اما رفت با المنتی زن گرفت . منم گفتم نمی‌مانم و طلاق گرفتم . دوماه بعد از طلاق آمد گفت اشتباه کردم نفهمیدم . بخاطر بچه‌ها بیارویم بر خانه و زندگی . منم قبول کردم . وقتی طلاق گرفتم دادگاه رای داد که سه ماهه و ده روز نفع خودم و ماهی شصت تومان برای بچه‌ها بمن بدهد .

۲۹ سال دارد . باریک اندام و سیاه روست . چشمانش کشیده و سیاه رنگ است . و روپوشرفته ریاضی چشمک‌زن دارد . شنیده است "اتحاد ملی زنان" در مورد حقوقی زنان زحمتکش کمک می‌رساند . درحالیکه بزحمت طفل در خواش را زیرچادر خود حمل می‌کند تو می‌آید .

دوما هت را داده بود و انا گفته را ودا تنسم . وقتنی به خانه اش رفتم گفت دیگر این حرف ها نیست و آشتی کردیم . هفته ها را بده می بین . دادم . همه را بپاره کرد . آنوقت رفتم دست آن زن را گرفت و آوردنوی خانه و گفت میخواهی بمان . میخواهی برو . من نماندم دختر دوازده ساله ام را گذاشتم با ندوان بی دوتا که کوچکتر بودند بپر دادم . آنوقت تا بحال بکفران خرجی برای بچه ها نداده است ."

**چطور میخواهیم زبانتان را نماند می کنید؟**

کار می کنم . نوبی یک مهدکودک کار میکنم . یک دختر که ۷ سال دارد به مدرسه می رود . این یکی سه سالش است و پیش خود میماند . ارمح تاشه با ۳۵ تا بچه سروکله میزنم و ما می ۱۵۰۰ تومان میگیرم . ۳۵۰ تومانش می رود بای کرایه خانه . ما میلی دوراست . یا اینکه فقط روزهای تعطیلی خانه میروم دستکم با می ۱۰۰۰ تومان هم کرایه ما نشین دارم . میماند ۵۵۰ تومان . نمیدانم این پول را بخورم . بیوشم یا خرج دوا و درمان کنم به هیچ جا نمیرسد .

**شکایت نکردید؟**

چرا . امیرآباد رفتم کمیته . گفت شوهرم پول نمیدهد . گفت ما میتوا راه چاره اینست که بچه ها را بدهی ببرم . نوبی این جا معنی نمی توانی بچه ها را نگهداری گاهی اوقات

دلسوزی زیاد باعث دردمرست شود . اما من گویم نکردم . دل من با مدیحه ها بمرزانه دم .

**وضع مالی شوهرتان چطور است؟**

حلی خوب است . ما می شش هزار تومان درآمدن دارد . معازه و ماشین و خانه دو طبقه مجبزو خلاصه همه چیز دارا ما میخواهد بول بدهد . برای اینکه بول بدهد و گاری بگاری نشد است . با شمرفته شهید زندگی میکند . از کسی از فامیل ها پیش شهیدم گفته خوب را می با دگر رفت . بول نمدهم و تا مدایش درسا بد میگویم بچه ها را بده . بگندم هم هر روز مرغی دارم درمتم کمیته گفتند خا نسا با دعوا نمیشود . بروی زبان خوش گفتی و گرنه می آید خود بچه ها را هم ارت میگیرم و دستت به هیچ جا بند نیست .

**شما کسی را ندانید که کمکی بیفتان کند ، پدر ، ما دریا فامیل؟**

چرا پدر دارم فامیل هم زیاد دارم . اما همه شان میگویند بچه ها را بده . چرا آن مرتیکه میگردد و تو بچه ها را نگهداری منم با آنها دعوا کردم . گفتم خودم کار میکنم و خرج بچه ها بپردازم در مبارزیم . حالام آمده ام و میخواهم محترم را بگیرم .



" اتحاد دلی زبان " می گوید با استفاده از همکاری صمیمانه و وظایف نه دوتن از روکلائی دادگستری که آماجگی خود را برای دفاع حقوقی را بگانه از چنین زبانی اعلام شده اند این زن و رعمتکن را باری کند اما فراموش نکنیم تنها

و با وضع و اجرای قوانینی که گاهی زبانتان تعدید و زحمتکش این سرزمین با شوخماست همه جا نبه دولت آزما دران و کودکان می توان ارتضیع حقوق انسانی آنان بعنوان بیگزن و یک ما در جلوگیری کرد .

**اخبار ایران و جهان**

خود مختاری خلق کرد " تا سطح یک امرا داروی تنزل یافته است " اعلام شده است که این طرح " حتی متضمن خود مختاری فرهنگی نیست " نمی باشد .  
 در اطلاعیه ذکر شده : " ما دم که اطلاعات اساسی مذکور در فوق بعمل نیامده ... نمیتوان آنرا مبنای مذاکره قرار داد . هیئت نمایندگی خلق کرد اعتقاد دارد که این پیش نویس به هیچ وجه متضمن اجرای دستور وی با م شروع ۵۸/۸/۲۶ اما مخمینی که ما موریت ویژه بطاخر آنست نمی باشد و در واقع بدون توجه به روح بنیاد ما من تنظیم گردیده است "

کلاسهای درسی دانشترای هنرمندان تعطیل است و هنرجویان که بدنبال انحلال این دانشترای در مراکز استان و ایجا دیگ مرکز در تهران و اترشهرستان ها به تهران آمده اند ، بعلت فقدان امکانات کافی در مورد خوابگاه ، غذا و نداشتن سرپرستانان ما ملاحظت در وقتت دشواری بسر میبرند .  
 هنرجویان اعلام کرده اند " در صورتی که وعده آموزش و پرورش در مورد ما رگشودن کلاسهای درس عملی نشود ، در وجهت تامین حداقل رفاه آنان اقدامی بعمل نیاید بوضع سه شنبه به پیشگاه ما مرفعه و تا عملی شدن خواسته بانان در مقامی نخواهد ماند "

**اخبار ایران و جهان**

نورای هما هنگی بیکاران در قلعنا معای از شورای انقلاب خواستند " تا هر چه سریعتر یک سیاست روشن برای حل مشکل بیکاری در پیش بگیرد . در این بیانیه ضمن پشتیبانی از مبارزات خدای میربا لیمتی مردم ایران گفته شد " ازین بردن بیکاری فقط در یک ماه روزه قاطعا نه علیه امیربا لیم مکان پذیر است "

هیئت نما بندگی خلق کرد در اطلاعیه ای نظرد خود را در مورد طرح خود گردانی هیئت ویژه دولت اعلام داشت . در اطلاعیه ، طرح مزبور تفصیل بررسی شده و ضمن تاکید بر رسمیت شناختن موجودیت و حفاظت آنکار را پذیر خلق کرد " و دیگر این نکته که در طرح مزبور امر

**اخبار ایران و جهان**

دانشجویان مسلمان بیرومط اما چهارشنبه شب ۵۸/۹/۲۸ با ارائه اسناد مدارکی اعلام نمودند میسای میوا بیطط مستحکمی دولت آقای سازگان و سفیر ایران در سوئدا سفارت اشغالی آمریکا و سازمان سیا همکاری داشته و مقدمات میداده اطلاعات بیسن دو کشور ایران و آمریکا را فراموش میماند و رده است .

تصفیه یا تبعید معلمان آقا و مبنای ز طرف مقامات آموزش و پرورش همچنان ادامه دارد . دانش آموزان مدارس به این اعمال متشولین امرا متراهن دارند و خواها ان بنای معلمان آقا و خود در مدارس هستند از جمله اعتراض دبیرستان دخترانه تربیتی در

## اخبار ایران و جهان

نظر آنا دسا و جیلاخ روز ۱۷/۹/۵۸ که متکلم خودداری آمان از رفتن نکلاس درس اسرار شد.

در همین رابطه کاسون مستقل معلمان ناحیه ۱۳ طی انتشار اعلامیه ای با ذکر مواردی که "عاصر معلوم الحال معلمان و دانش آموزان را رودر روی هم قرار میدهد" اعتراضیه به اخراج و تهدید معلمان مدارس آنها مبحث سیاسی اعلام داشته اند که:

"تلاش در جهت ایجاد فرهنگ انقلابی جریانی بودی فرهنگ استعماری و رشد ناهای دموکراتیک امکان پذیر نمی آید و تنها با تشکیل شوراهای واقعی است که راهگروه انحصار طلبی در مدارس جلوگیری شده و اقدام واقعی دانش آموزان و معلمان منطقی میگردد."

آمار محکامات انقلابی در تیکا را گوته دولت انقلابی تیکا را گوته دستور محاکمه جوده هفت هزار اروپا مدرن دانسی از اوستگان رژیم فسطی را به وارد شده دادگاه این کشور صادر کرد. افراد کارمدنی سوموراکه در گذشته شکجه و قتل مسازان دست میرسد سیزدهمین زندانیان هستند. دختر ۲۶ ساله ارجنه

هفتاد هزار گشته - صد ها هزار زخمی

هرگز میاد سازش - هرگز میاد تسلیم

این غریب توفانی خواست قلبی خلقهای مبارز ایران است. ملت ایران فراموش نمیکند که در جریان انقلاب و قیام، در حالیکه در میان دود و آتش خون، در نبرد جنگ و زندگی با نوکسرو مزدور امپریالیسم امریکا، شاه جهانخوار درگستر

جریکی ساندیسیت، ارجاحت شورای انقلاب تیکا را گوته، نعمان دادستان اصلی این محاکمات انتخاب شده است. حقوقدانان کنور و گالتر رسانیا را در این محاکمات برعهده خواهند داشت.

نظارات خوین سرخدا و مخلوع بارودرنا و مخلوع آرمیکا نمایانها، دانشجویان و دانش آموزان با ناماطسی نظارات وسیعی به اقامت داشته در تیکا انترناسیونال گردید. در این نظارات که به سرخوردن پلیس متوجه این مجروح شدند. نظارت هرکسنگان همین تعارضهای خودستا و مخلوع را "دیکتاتور خون آنا" می نامند. نظارات اعتراضی مخالفان اقامت شاه در با ناما همچنان ادامه دارد.

درفناری و خنوت آرمیکا شان نیست به دانشجویان اسرائیلی مقیم این کشور هر روز کسرتن سیشتری می باشد. طبق گزارش سرکرزاری هایک دختر ۲۴ ساله اسرائیلی دانشجوی داننگا و هلنس اوها میوسیله چند جوان آرمیکایی با چاقو مورد حمله قرار گرفت و مجروح شد.

مبارزات ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری مردم جلوگیری کنند.

اعلامیهائی که آقای بازرگان در جریان قیام و انقلاب منتشر کردند، گواه روشن و یارزی بیس ماهیت آنان است. ادعای انقلابی بودن امروزی این جریان نمیتواند واقعیات گذشته را ببرد. پوشی نماید.

بعد از پیروزی قیام که متأسفانه کن انقلاب ایران بدست این جریانات انحرافی سپرده شد، ملت ایران بخوبی نتایج سیاستهای گام به گام را دید. در این دوره سیاستهای دولت جز در جهت بازسازی ارتش و ساواک و بازگرداندن سرمایه داران فراری، حفظ قراردادهای غارتگرانه با امپریالیسم و... نبود. نیروهای انقلابی و پیشرو بارها و بارها خطرات نفوذ و تسلیم طلبی این سازشکاران و کاسبکاران سیاسی را هشدار دادند.

اما بجای توجه به این هشدارها سیاستهای انحصارطلبانه و قشری، زمینه مناسبی برای امپریالیسم و عوامل داخلش فراهم کرد، تا با تهاجم گسترده و سازمان یافته به نیروهای انقلابی جهت اصلی مبارزات مردم ایران را منحرف نمایند.

اکنون ما معتقدیم این خواست برحق ملت ایران است که دقیقاً از ماهیت نیروها و جریانها و اهداف آنها در جریان انقلاب مطلع باشد. بنابراین افشا کلبه اسناد مربوط به

جریانات انحرافی وظیفه تمام نیروها، منحصلاً دانشجویان پیرو خط امام که این اسناد را در دست دارند است. هر نیرو و جریانی که برخلاف این وظیفه عمل کند، یا تن به فشار تسلیم طلبان و فرصت طلبان بدهد که از آگاهی توده های مردم هراسناکند، و خود به نیروی لایزال توده ها تکیه نکند، از نظر ملت ایران محکوم است.

قبول تعیین رابط شورای انقلاب و قبول ضابطه تحویل اسناد قبل از انتشار به دادگاه انقلاب اسلامی و امکان دادن به فرصت طلبان و سازشکاران در انتشار آنها اخلال کنند، حیز جز عقب نشینی از خواست ملت ایران که یکپارچه خواهان افشا، محاکمه و مجازات بدون قید و شرط تمامی خیانتکاران، سازشکاران و فرصت طلبان میباشد، نیست و هرگونه عقب نشینی در این زمینه به معنای تسلیم و عدول از خواستهای ضد امپریالیستی ملت ایران خواهد بود.

ما از تمام نیروهای انقلابی و متوقی ضد امپریالیست میخواهیم متحدان در افشای این جریانات انحرافی بکشند و در فعالیتهای راهبیمانیها که به منظور حمایت از خواست ملت ایران در جهت افشای عاملان امپریالیسم و فرصت طلبانی که با سازشکاری عملا در خدمت امپریالیسم قرار گرفته اند صورت میگیرد فعالیت شرکت کنند.

مرگ بس سازشکاران و تسلیم طلبان

مرگ بر امپریالیسم امریکا

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش



پانزدهمین سالگرد انقلاب مسلحانه خلق فلسطین

پانزدهمین سالگرد انقلاب مسلحانه خلق فلسطین